# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۳۱

دوره اول

دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۵۹

بها ۱۵ ریال



با فعالیت‌های سندیکایی زحمتکشان جهان آشنا شویم (صفحه ۲)


# سیاست ایران انقلابی کدام است؟

در روزگار ما، بیش از هر عصر و زمانی، تعادل زندگی و دوام هستی هر کشور، بزرگ یا کوچک، در ارتباط ناگزیر با مجموعه کشورهاست که صورت می‌بندد. بازرگانی و تا اندازه‌ای حتی تولید و اقتصاد، داد و ستد فرهنگی و تکنولوژیکی، نظم درونی و آرامش مرزها، شبکه دوستی‌ها و اتحادها با تار و پود منافع مشترک و خطر مشترک، قدرت جنگ برای تامین صلح، وخود امکان مستقل بودن یا در چارمیخ وابستگی و غارت زندگی و فرمانبری ماندن، همه این رشته‌ها، اگر یک سرش به دست ماست، سر دیگر را دیگرانند که در دست دارند. دیگرانی که چه بخواهیم و چه نخواهیم، ما را در میان گرفته‌اند و با دوستی یا دشمنی خود راه را بر ما آسان یا دشوار می‌سازند. حقیقتی ساده و عام، که نباید از یاد برد.

سیاست، یعنی دیدن و سنجیدن خود و دیگران، و راه خود یافتن و رفتن، با دیگران یا به رغم دیگران. در این رابطه، شناخت هرچه دقیقتر آنچه مطلوب است و آنچه ممکن است، باید نخستین شرط یک سیاست موفق شمرده شود. پس، به ضرورت، باید بر توانائی‌ها و ضعف‌های خود و دیگران آگاه بود. و این آگاهی، در شرایط کنونی پیشرفت دانش و تکنیک، در بررسی آمار و پیش‌بینی احتمالات بر پایه اطلاعات همه جانبه عینی تبلور می‌یابد. بدین سان، امکان آنکه آرزوهای دور و دراز شخصی یا گروهی واقعیت موجود شمرده شوند و سیاست کشور را به بیراهه بکشانند و با ناکامی و شکست مواجه کنند از میان میرود. دور از ما که بخواهیم درخشش برق آسای "نوابغ سیاست" را که در فضای انقلابی امروز ایران فراوانند منکر شویم. در این مرز و بوم خجسته، به گفته حافظ، طفل یکشبه همیشه ره صد ساله رفته است. اما، حقیقتِ سرسخت آن است که آگاهی واقع‌بینانه و خونسرد که لازمه هر سیاست درست و موفقی است، جز با کار هماهنگ بهم پیوسته و معقول سراسر یک دستگاه بدست نمی‌آید. سیاست جای بدیهه پردازی "نوابغ" نیست. چاره اندیشی‌های فردی و آنی، کلک، لاف و گزاف بی‌پشتوانه ـ خاصه آنجا که حریف بهتر از تو میداند که در چنته‌ات چیست ـ راه به جائی نمیبرد، زمینه استواری برای آینده بوجود نمی‌آورد. و حال آنکه آینده و ساخت و بافتِ مطلوب آن انگیزه اصلی و دغدغه هر سیاستی است.


بقیه در صفحه ۸


# الجزیره به راه انقلابی خود ادامه می‌دهد

حوادث پس از مرگ هواری بومدین رئیس جمهور الجزیره آرزوهای دیرین امپریالیست‌ها و مرتجعین داخلی را سخت تحریک نمود. اما خلق الجزیره، نیروهای میهن‌پرست و انقلابی آن منجمله کمونیست‌ها و حزب انقلابی شان ـ حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزایر ـ موفق شدند سمت‌گیری منعکس در منشور ملی یعنی راه رشد غیر سرمایه‌داری را با دورنمای ساختمان سوسیالیسم حفظ و تحکیم نمایند و بدین سان تحرک جدیدی به انقلاب دموکراتیک ملی بدهند.

برای ارزیابی اهمیت این کامیابی‌ها، تحلیل برخی رویدادهای تازه ضرورت می‌یابد.

در پی بیماری و مرگ رئیس جمهور بومدین (اکتبر ۱۹۷۸) مبارزه طبقاتی در الجزیره شدت یافت و کشور با وخامت جدی روبرو گردید. این مبارزه در ارتباط با راههای متضاد رشد اقتصادی بین دو گرایش بوقوع پیوست: یکی ترقیخواهانه که هواداران آن معتقد به ادامه انقلاب و رعایت دقیق منشور ملی بودند و دیگری محافظه‌کارانه، متمایل به "لیبرالیسم" اقتصادی و سازشکار با امپریالیسم.

این مبارزه در دورانی گسترش یافت که امپریالیسم صهیونیستی آشکارا می کوشید موقعیت الجزیره را بیش از پیش دچار بی‌ثباتی سازد.

نخستین رویدادهای مثبت در ارتش و شورای انقلاب به وقوع پیوست. ارتش سرهنگ شاذلی بن حدید را به عنوان هماهنگ کننده نیروهای مسلح انتخاب نمود (بومدین وزیر دفاع بود). شورای انقلاب در سوم دسامبر ۱۹۷۸ ـ اعلامیه‌ای مبنی بر تائید مجدد سمت‌گیری ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه الجزیره صادر نمود. افسران ارتش ملی خلق همان مواضع را بدست گرفتند و اعلام داشتند که ارتش ضامن


بقیه در صفحه ۳


# نقشه‌های پنتاگون برای خلیج فارس

تدارکات ایالات متحده در اقیانوس هند حالت تهدیدآمیزی به این منطقه داده است. در حال حاضر بیش از ۳۰ کشتی جنگی آمریکا مجهز به سلاحهای هسته‌ای و یک واحد ۲۰۰۰ نفری از زبده تفنگداران دریائی در این منطقه حضور دارند. بمب افکنهای استراتژیک منظما" بر فراز این ناحیه در پرواز‌ند. فرستادگان رنگارنگ پنتاگون و دولت آمریکا بدقت در جستجوی پایگاههای نظامی و انبارهای جدید اسلحه در خاورمیانه هستند.


بقیه در صفحه ۲


# سرمایه‌داری و جهانِ در راه رشد

ترجمه: الف. مسعود

(قسمت دوم)

بحران سالهای ۱۹۷۵ ـ ۱۹۷۴ بر پایه تورم شتابان و تشدید فزاینده مسایل اقتصادی بین‌المللی سرمایه معاصر (مواد اولیه، انرژی، پولی و مالی، محیط زیست و تغذیه) گسترش یافته است. این بحران به طرز روشنی رابطه منطقی روز افزون میان بحران های دوره‌ای اضافه تولید ـ که به تشدید تضادهای کاهش‌ناپذیر مجموع سیستم سرمایه‌داری جهانی منجر می شود ـ و ناموزونی رشد اقتصادی گروههای مهم کشورهای دو قطب متضاد سیستم را نشان داده‌است. با وجود این، این ناموزونی را نمی توان بدون در نظر گرفتن عوامل دراز مدت رشد جمعیت تجزیه و تحلیل نمود.

داده‌های جدول شماره ۱ نشان می دهند که دو گرایش متضاد پس از جنگ دوم جهانی در زمینه رشد جمعیت در کشورهای نوپا و کشورهای سوسیالیستی بروز نموده است. فوران جمعیت در مستعمره‌های سابق و کشورهای وابسته آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و فروکش کردن تدریجی نرخ رشد جمعیت در مراکز مهم سرمایه‌داری ناگزیر موجب تغییرات جدی در توزیع منابع انسانی بین این دو گروه کشورها شده است. در ۱۹۷۸ ـ ۱۹۵۰ جمعیت کشورهای در راه رشد تقریبا" ۱۰۳۰ میلیون نفر یعنی نزدیک به دو برابر افزایش یافت، در صورتیکه فزونی جمعیت کشورهای سرمایه‌داری در همین دوره ۱۹۵ میلیون نفر یعنی کمی بیش از یک سوم بوده است. در نتیجه ملاحظه می شود که در پایان دهه ۷۰ قریب $\frac{3}{4}$ جمعیت سراسر جهان غیر سوسیالیست در کشورهای مستعمره سابق تمرکز یافته، در صورتیکه در آغاز دهه ۱۹۵۰ این نسبت تقریبا" $\frac{2}{3}$ بوده است.

مجموعه این عوامل ناگزیر در رابطه نرخ رشد تولید سرانه کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای در راه رشد تاثیر گذاشته است. آمارهای سازمان ملل متحد به روشنی نشان میدهند که در دوره پس از جنگ گرایش به توسعه فاصله دو گروه از کشورها هرچه مهم‌تر در شاخص‌ها منعکس می گردد. در


بقیه در صفحه ۸


## اجلاسیه هیئت رئیسه شورای جهانی صلح

بوداپست، هشتم تا دهم ماه مه ۱۹۸۰

# قطعنامه درباره امنیت و همکاری اروپا

هیئت رئیسه شورای جهانی صلح هنگامی در بوداپست تشکیل جلسه داده است که سی و پنجمین سالگرد پایان جنگ در اروپا جشن گرفته می شود.

میلیونها مردم اروپا در یک دوره تلخ و طولانی پیکار و تحمل قربانی ها رنج بردند تا آنکه پیروزی بر فاشیسم بدست آمد. درسهای گذشته بسیار روشن است. دیگر هرگز نباید اجازه داده شود که بلای جنگ دنیا را آشفته سازد. باید بر موانع راه تشنج زدائی و خلع سلاح فائق آمد. بر اثر مبارزه‌ای دشوار و طولانی ـ که جنبش صلح در آن نقش مهمی بازی کرد ـ تهدید جنگ جهانی متوقف گردید. دور باطل جنگهای جهانی شکسته شده است. اروپا که نقطه آغاز دو جنگ جهانی بود، اکنون طولانی ترین دوره صلح تاریخ خود را از سر می گذراند.

امضای سند نهائی هلسینکی در اوت ۱۹۷۵ نقطه اوجی در مبارزه بخاطر امنیت و همکاری در اروپا بود. با این همه، حتی هنگامیکه این سند در جریان امضاء شدن بود، نیروهائی در کار زمینه‌چینی برای تجدید تعرض جنگ سرد بودند.

در ماه مه ۱۹۷۸، درست هنگامیکه جلسه اختصاصی مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره خلع سلاح برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی سرگرم بحث بود، سران کشورهای ناتو در ملاقاتی که در واشنگتن صورت گرفت درباره برنامه بی‌سابقه پانزده ساله‌ای به منظور توسعه زرادخانه تسلیحاتی خود موافقت کردند.

ناتو پیشنهادهای پرزیدنت برژنف را در اکتبر ۱۹۷۹ به منظور مذاکره درباره کاهش تعداد موشکهای هسته‌ای در اروپا در ماه دسامبر ۱۹۷۹ و اخذ تصمیم جهت کاهش تولید و آرایش جنگی موشکهای اتمی کروز و پرشینگ ۲ رد کرد. تصمیم


بقیه در صفحه ۵



## فصلی از کتاب داغستان من

(صفحه ۴)

## قانون اساسی تازه افغانستان

(صفحه ۶)

## با فعالیتهای سندیکایی زحمتکشان جهان آشنا شویم



# کمك دولت به انحصارات

دولت که به ابزار انحصارات بدل شده در خدمت گسترش این انحصارات و تقویت آنها قرار دارد · انحصارات به موهبت این کمکها به سود های قابل ملاحظه( سود های انحصاری) دست می یابند · این کمك از راههای مختلف صورت می گیرد :

**تامین هزینهٔ سرمایه‌گذاری ها**

تحول تکنیك های جدید نشان می دهد که ابزار کار در عصر ما با آنچه در پنجاه سال پیش‌بود ، هیچ قابل مقایسه نیست· قیمت ابزارها بسیار بالا است .

بنابراین ، انحصارات برای تامین سرمایه‌گذاری هایشان ( خرید ماشین ها ، ابزارهای کار ، احداث ساختمان ها و غیره) بیش‌از پیش‌به دولت رو می آورند · آنها برای این کار وام هائی با بهرهٔ کم دریافت می دارند ، یا اغلب این‌کمکها بصورت اعانه به آنها داده می شود

**کمکهای مالیاتی**

کمك های مالیاتی شکل مخصوصا" مهمی از کمك دولت به انحصارات است· بهمین علت آنها مالیات ناچیزی می‌پردازند ·

بررسی وزارت دارائی فرانسه در ۱۹۵۴ نشان میدهد: ۲۲۰۰۰ شرکت سهامی که نمایندهٔ ۳ر۱ ٪ مجموع شرکتهای صنعتی و تجارتی بوده است و مجموع‌عملکرد شان ۲۸۰۸ میلیارد فرانك بود ، ۲۴۲ میلیارد فرانك‌مالیات دادند درصورتی که جمع مالیات مقطوع ۱,۲۴۷,۰۰۰ ( شرکت کوچك) که ۳ر۷۴ ٪ مجموع شرکتها را تشکیل می دهند و کل عملکردشان ۱۶۵۸ میلیارد فرانك بود بالغ بر ۳۹۳ میلیارد فرانك مالیات دادند ·

چهارمین و پنجمین برنامهٔ گلیست ها کمك به انحصارات را باز هم افزایش‌داد · زیرا کمك های مالیاتی پیش‌بینی شده در این دو برنامه که هدیه های واقعی بودند ، سود‌های کلانی نصیب انحصارات عمده ساختند ·

از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۸ سهم مالیات شرکتها که تقریبا" ۵ر۱۰٪ مجموع منابع مالیاتی دولت بود به کمتر از ۸٪ تقلیل یافت ·

**استفاده‌ازموسسات‌دولتی**

مهمترین وسیله ای که اکنون دولت به وسیلهٔ آن به انحصارات کمك می کند ، موسسات دولتی و موسسات ( ملی شده) است· سیستم کار چنین است :

ــ هنگام فروش‌کالا ها و خدمات به انحصارات ، قیمتها و تعرفه‌های فوق العاده ناچیزی ( حتی پائین تر از قیمت تمام شده) به موسسات ملی شده تحمیل می شود · درصورتیکه قیمت همان‌کالا هاوخدمات برای‌صاحبان صنایع‌کوچك و متوسط و مصرف کنندگان خانگی خیلی‌بالا ست·

ــ بعکس‌هنگامیکه انحصارات کالا هایشان را به موسسات دولتی و ملی شده می فروشند ، قیمت فروش‌آنها به مراتب زیادتر از ارزش‌واقعی کالا هاست·

موسسات دولتی با فروش‌کالا ها به قیمت نازل و خرید آنها به قیمت گران دچار کسری می شوند ( چنانکه ملاحظه می شود این کسری مصنوعی است) · بدینسان سود ها از بخش‌دولتی به‌بخش‌سرمایه‌داری انحصاری منتقل می شوند ·

**همه‌چیزگران است**

منابعی که دولت در اختیار دارد ــ و با آن به انحصارات کمك می کند ــ از آسمان نازل نمی شوند · آنها از دو راه ـ محصول استثمار توده‌های زحمتکش‌اند :

ــ سیستم مالیاتی طبقاتی

ــ تورم

این عوامل قدرت خرید زحمتکشان راکاهش‌می‌دهد وبر دشواریهای زندگی آنها می افزاید ·

ث·ژ·ت که برای افزایش‌مزد واقعی مبارزه می کند ، عین حال مبارزه با تورم و اصلاح دمکراتیك سیستم مالیاتی را هدف خود قرار داده است· این مبارزه موجب کاهش‌بار سنگین مالیاتها از دوش‌زحمتکشان می شود و شرکتهای بزرگ سرمایه‌داری‌را مجبور می سازد که از پرداخت مالیات واقعی طفره نروند ·

---

بقیه

# نقشه‌های پنتاگون برای...

واشنگتن سعی‌دارد این اقدامات را واکنشی‌دربرابرتوقیف جاسوسان وتوطئه چینان‌آمریکا در ایران‌ورویدادهای‌افغانستان جلوه گرسازد ·اما درحقیقت محافل جنگ طلب وآتش‌افروزآمریکا بمنظورسرکوب جنبش‌های‌رهائی‌بخش‌ملی‌وتضمین نفت ارزان‌برای صنایع انحصارات امپریالیستی این صحنه سازی های مسخره راترتیب داده‌اند تاافزایش‌روزافزون نیروهای نظامی‌خود را درراقیانوس‌هند وخلیج فارس توجیه نمایند ·

استراتژهای نظامی‌پنتاگون‌از دیرباز برای‌رسیدن به هدف های خود درمناطق نفت خیزخلیج فارس‌به توطئه چینی مشغولند ·ازسال ۱۹۷۵ امدتهاپیش‌از انقلاب ایران وافغانستان آنهاطرح تصرف نوارساحلی فاصلهٔکویت تاقطرراکه ۴۰٪ نفت کشورهای عضواوپك راتامین میکند تدارك دیده بودند ·این طرح بشدت از جانب جیمزشلزینگرکه درآنموقع وزیردفاع بود حمایت وپشتیبانی‌میشد ·دراوت ۱۹۷۷ ،کارتررئیس‌جمهورآمریکا ،ایجاد "نیروهای‌واکنش‌سریع" راکه قبل ازهرچیز برای‌تصرف مناطق نفت خیزخلیج فارس اختصاص‌یافته بود ،تصویب نمود·درهمین زمان به درخواست ز·برژینسکی مشاور امنیتی رئیس‌جمهورآمریکا مسئلهٔعملکرد‌های آیندهٔسیاست خارجی‌آمریکا در دانشگاه هاروارد مورد بررسی قرارگرفت و طی‌آن چگونگی‌کنترل‌ذخایرنفتی خاور نزدیك ومیانه بوسیلهٔآمریکا برنامه ریزی شد ·

درآنموقع مسئلهٔاستفادهٔ "متنوع" از "نیروهای‌واکنش سریع"وسیعا" درمطبوعات مورد بحث قرارگرفت· درماه مه سال گذشته یعنی‌دقیقا"خیلی پیش‌ازتوقیف جاسوسان دیپلمات نمای‌آمریکا درایران‌وورود واحد‌های محدوداتحاد شوروی به افغانستان مقاله‌ای به قلم <u>کامرون</u> درمجلهٔ<u>فورچون</u> انتشاریافت·اودراین مقاله پنج وضعیت رابرای اعزام‌نیروهای‌سرکوبگر<u>پنتاگون</u> به خاورنزدیك مورد بررسی قرارداد ·

**وضعیت:۱**

این وضعیت به "کودتای‌شورشیان" درریاض‌مربوط میشود ·به عقیدهٔکامرون این‌امرجریان‌منظم‌نفترا بخطرمی‌اندازد · ایالات متحدهٔآمریکا دراین وضع چه خواهدکرد ؟ بدیهی است که دربرابر چنین رویدادی به دستوررئیس‌جمهور پنتاگون فوراًلشکر ۸۲ چتربازان ولشکر ۱۰۱ هوابردسیاررابه منطقه اعزام خواهد داشت وشورش‌را سرکوب خواهد نمود· پنتاگون برای این عملیات ازنیروی هوائی مستقردرپایگاههای مجاورونیزازواحد های "کلاه سبزها" که درجنگ ویتنام"شهرت یافتند " استفاده خواهدکرد ·مدت "واکنش‌همهٔاین نیروهای مداخله گر" طبق برآورد<u>کامرون</u> از ۷۲ساعت بیشتر نخواهد بود ·

**وضعیت:۲**

این وضعیت مربوط به حالتی است که تنگهٔ هرمزباغرق تانکرهای عظیم‌مین‌گذاری ها محاصره شود ودرعمان نیروهای شورشی دست به عملیات بزنند ·پنتاگون برای مقابله با این وضع علاوه بر چتربازان لشگر ۸۲ ازناوگان‌دریائی خود دراقیانوس‌هند وازنیروی هوائی وواحد‌های ضربتی خود مستقردرپایگاههای منطقه استفاده خواهدکرد ·این نیروها ماءموریت دارند "بیدرنگ"شورشیان"را سرکوب کنند ،بندرها وپایگاههای‌تنگهٔ هرمزراتصرف نمایند وبه جمع‌آوری مین‌ها و بیرون کشیدن تانکرهای غرق شده پردازند ·

**وضعیت:۳**

درصورتی است که"عربستان‌سعودی"از دادن نفت به ایالات متحده"امتناع‌کند· دراین حالت ایالات متحدهٔ کلیهٔکمکها، پیش‌ازهمه کمك نظامی‌اش‌را به ریاض قطع‌میکند ·به عقیدهٔ<u>کامرون</u> ازآنجائیکه ارتش‌عربستان سعودی عمدتا"ازسلاح‌های‌آمریکائی استفاده میکند ،قطع‌صدور مهمات ،وسائل یدکی ودیگرتجهیزات نظامی، درمدت دوهفته نیروی هوائی عربستان سعودی رافلج خواهدکرد· پس‌ازاین اقدام ،مرحلهٔدوم عملیات شروع خواهد شد ·دراین مرحله لشگرهای هشتادودوم‌وصدویکم‌با پشتیبانی نیروی هوائی ،نیروی زمینی عربستان سعودی رادرهم‌کوبیده،کلیهٔمناطق نفتخیزراتصرف کرده وصدورمجدد نفت رابه ایالات متحده حتمی خواهدکرد ·

**وضعیت:۴**

این‌وضعیت حملهٔاحتمالی عراق رابه عربستان سعودی‌وکویت مورد بررسی قرار می‌دهد · "واکنش"پنتاگون دراین‌رویداد، وارد آوردن ضربه‌به‌نیروهای‌عراق‌ازطریق نیروی هوائی‌ودرهم‌کوبیدن تاءسیسات این کشوروبخصوص‌تاءسیسات نفتی‌است· سپس‌لشگر ۸۲ چتربازولشگر ۱۰۱ واردمیدان میشوند ودرآخرکارتفنگداران‌ناوگان ششم‌وهفتم‌درخاك عراق پیاده خواهند شد ·

**وضعیت:۵**

نویسندهٔمقاله برای این وضعیت تابلوی زیرراترسیم کرده است : اتحاد‌شوروی عراق وایران رااشغال‌میکند، سپس عربستان سعودی‌رادرهم‌میکوبد ومناطق نفتی‌آن رابتصرف خود درمی‌آورد، دراین حالت ،ایالات متحده تنها "نیروهای واکنش‌سریع"را بکارنمیگیرد ، بلکه‌لشگرزرهی وسایرنیروهایش‌رابه میدان میآورد· وانگهی ایالات متحده میتواند "تعرض شوروی"را انتظارنکشد وپیشاپیش‌کشورهای خلیج فارس‌راتصرف نماید ·به عقیدهٔ <u>کامرون</u> برای این کار،کافیست که‌پنتاگون از"خطرشوروی" آگاهی‌یابد ·

این پیش‌بینی‌هااگرچه گوشه هائی ازهنرنمائی‌های نظامی ایالات متحدهٔ آمریکارانشان میدهد، درعین حال‌امکان میدهدکه ازهدف های‌سیاسی ـ نظامی پنتاگون دراین منطقه ازجهان ووظایف "نیروهای‌واکنش‌سریع" تصویرروشنی ارائه شود ·

<u>کامرون</u> دراین مقاله مانند رجال دولتی ایالات متحده باخونسردی کامل ازامکان استفاده ازقدرت نظامی‌آمریکا صحبت میکند ·خونسردی نویسنده حداقل نمایشگرروحیهٔضد بشری وتجاوزکار زمامداران ایالات متحدهٔآمریکاست که شبانه روزبرای به بندکشیدن ملتها و نقض‌خشن حاکمیت آنهابه توطئه چینی مشغولند ·

پنتاگون برای تمرکزبیسابقهٔواحد های ضربتی وناوگان های غول پیکرخود دراقیانوس‌هند وخلیج فارس‌منتظربروز وضعیت پنجگانه نمانده ،دست‌اویزدیگری برای اجرای نقشه های شیطانی خود پیداکرده است·

توقیف جاسوسان دیپلمات نمادر ایران ورویدادهای افغانستان ایالات متحده راسخت به تکاپووا داشته است· کارتررئیس‌جمهورآمریکاکه زمامداری‌اش‌را با جنگ سرد آغازنمود اکنون بی‌پروا به استقبال درگیری های نظامی میرود ·

تجاوزگستاخانهٔگروه ضربتی آمریکا به ایران به بهانهٔآزادی جاسوسان‌آمریکائی که نقض‌خشن حاکمیت ملی‌کشورما بوده است ،گوشه‌ای ازنقشه های وسیع پنتاگون رابرای‌سرکوب جنبشهای رهائی بخش ملی دراین منطقه ازجهان نشان میدهد؛

آمریکاتاب دیدن پیروزی انقلاب ایران وافغانستان راندارد· درصورت ریشه دارشدن این دوانقلاب مخصوصا" تکامل انقلاب درایران منافع‌امپریالیسم جهانی وصهیونیسم جهانی بشدت در سراسرمنطقهٔخاورنزدیك ومیانه بخطر خواهدافتاد·ازاین روامپریالیسم‌آمریکا و مرتجعین داخلی ومنطقه باهمهٔوسائل ازدرون وبیرون به تخریب پایه های‌انقلاب دراین دوکشوربرخاسته‌اند ·

برافروختن احساسات ناسیونالیستی، برجسته کردن "خطرشوروی"،توسل به تبلیغات ضدکمونیستی واختلاف افکندن بین کشورهای ضد امپریالیست منطقه از جمله برنامه هائی است که درجهت تکمیل سیاست مداخله گرانهٔنظامی آمریکاوتمرکز قوای‌جهنمی‌وی‌درمنطقه به مرحلهٔاجرا در میآید ·باید برای‌ناکام‌ساختن تهاجم‌وسیع امپریالیسم‌آمریکا دراین منطقه که ازسال ۱۹۷۷ یعنی پیش‌ازانقلاب ایران‌و رویدادهای افغانستان طرح ریزی شده بود ازخود تاءمل وهشیاری‌انقلابی‌نشان داد وامکان نداد که دام‌گستری های ظریفانهٔامپریالیسم وعوامل رنگارنگ آن نقشه های‌وی رادرسرکوب انقلاب ایران وافغانستان وخلقهای دیگرمنطقه کامیاب سازد ·

# بقیه

# الجزیره به راه انقلابی...

تداوم انقلاب خواهد بود.

زیر بنای عمدهٔ این پیشرفت ها نیروئی است که گزینش راه رشد سوسیالیستی به عنوان شرط ناگزیر کامیابی در انجام وظایف ساختمان ملی در میان محافل وسیع اجتماعی بدست آورده است.

در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ هنگامیکه رئیس‌جمهور هواری بومدین چشم از جهان فرو بست، کشور ما دچار چنین وضعیتی شد. مرگ او تظاهرات وسیع‌توده ای را در الجزیره برانگیخت. اندوه و ماتم عمیق گردان های مختلف خلق شاهد صادق وفاداری مردم به آرمانی بود که رئیس‌جمهور هواری بومدین به عنوان سمبل آنرا در خود منعکس ساخته بود. در جریان تدارك کنگرهٔ جبههٔ آزادیبخش‌ملی و انتخاب نمایندگانش مبارزه شدت یافت. در همین موقع از ۶ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ کنگرهٔ اتحادیهٔ ملی جوانان الجزیره تشکیل شد. برگزاری این کنگره نشانه‌ای از کامیابی مهم نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست بود.

کنگرهٔ جبههٔ آزادیبخش‌ملی از ۲۷ ژانویه تا اول فوریه ۱۹۷۹ برگزار شد. نتایج اساسی آن عبارتند از:

ـ انتخاب شاذلی بن جدید به عنوان کاندیدای واحد ریاست جمهوری پس‌از انتخاب وی در پست دبیر کلی حزب.

ـ تصویب تصمیمات مختلفی که نه تنها خط مشی رسمی‌را تائید می کنند، بلکه در جهات معینی گام تازه ای به پیش محسوب می شوند.

نخستین نشست پلنوم کمیتهٔ مرکزی جبههٔ آزادیبخش ملی این تصمیمات را با استواری تصویب نمود. همهٔ این نتایج منعکس‌کنندهٔ سالهای طولانی مبارزه هستند که طی آن نیروهای راستگرا بیش‌از پیش‌افشاء شده و ناچارگردیدند که موضع دفاعی اختیار کنند. این یك مبارزهٔ ساده در موضوع تصمیم گیریها نبود، بلکه مبارزه‌ای برای تصمیم گیری تحت تاثیر نیروهای چپ بود.

در مجموع‌می توان گفت که با وجود از دست رفتن جبران ناپذیر بومدین، نیروهای پیشرو در تعیین سیاست وامکانات بسیج مردم در جهت آن کامیابی های چشمگیری بدست آوردند.

## پشتیبانی حیاتی

حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره از همهٔ این اقدامات صمیمانه پشتیبانی کرده، همهٔ نیروهای ترقیخواه را به دفاع از تصمیمات مورد اشاره که به نفع استقلال و تحکیم استقلال ملی است، فرا خوانده است.

وضع در الجزیره بطور مثبت پیشرفت می کند. پس‌ازچهارمین کنگرهٔ حزب جبههٔ آزادیبخش‌ملی و نخستین نشست کمیتهٔ مرکزی آن و تغییرات درون دولت عوامل مساعدی در جهت استحکام خط مشی ضد امپریالیستی پدیدار شده و رو به گسترش‌نهاده است. سایر عوامل که متعلق به گذشته اند یا از حوادث تازه سر برآورده‌اند، می کوشند مانعی بر سر راه دورنماهای مساعد ایجاد کرده و یا حتی آنرامخدوش سازند.

مضمون و لحن پیام رئیس‌جمهور شاذلی بن جدید به خلق الجزیره مهم ترین خطوط ویژهٔ اوضاع و احوال‌رامنعکس کرده و ضرورت اصلی را نشان داده است. این ضرورت با گزینش‌اساسی سیاسی ما پیوند دارد که هدف‌آن خدمت به منافع‌ملی و تمایلات اجتماعی و دموکراتیك شهروندان ماست. این پیام کاملا" با سیاست تحکیم اقتصاد مطابقت دارد که رئیس‌جمهور بومدین در مارس ۱۹۷۷ خطاب به مجمع‌ملی خلق اعلام داشت و خود تا پایان عمر در راه آن مجاهدت کرده است.

به موهبت کوشش‌نیروهای انقلابی الجزیره و سراسرجهان شرایط مساعدی برای اجرای این سیاست وجود دارد.

فعالیت دولت ترمیم و بسیار منظم و هماهنگ شده است. زمینه برای بروز گرایش‌به کاربرد سیاست بسیار منطقی فراهم آمده است. برای تدوین یك بیلان عینی و ترتیب دادن اقداماتی که ضامن استقلال اقتصادی باشد و مسایل اجتماعی را در رابطه با تولید و همیاری با سندیکاها، کارگران ومدیریت موسسات حل نماید کوشش‌های زیادی بعمل آمده است.

جنبش‌رزمی توده ای بیش‌از پیش‌به شکل دینامیك مسئولانه و سازنده‌رشد می‌یابد.

در کنگره‌های سندیکاهای متعدد و نیز در بسیاری سخنرانی ها و کنفرانس‌ها به مسئله بی حرکتی و لاقیدی در کار توجه فراوان معطوف شده است. آنها راه بهبود فعالیت در موسسات و هماهنگی آن را با سازمان های اداری نشان دادند. بدیهی است که برای پیشرفت در این زمینه باید مسئله رشد آگاهی سیاسی و مراقبت گسترده در برابر فعالیت های امپریالیسم‌و ارتجاع‌را در زیر هر پوشش‌همواره در نظر داشت.

در حزب جبههٔ رهائی بخش‌ملی و دستگاه دولت تغییرات مثبتی در سطوح مختلف صورت گرفته است. این تغییرات با همهٔ محدودیت ها و ناپیگیریها نشان می دهند که در ترك سیاست محافظه کارانه و اسلوب های غیر دموکراتیك وکنار آمدن با محافل معین اقتصادی گام های مثبتی برداشته شده است.

به عنوان نتیجه گیری می توان گفت که روح وحدت ضد امپریالیستی تحکیم یافته، درك متقابل و همبستگی بین میهن پرستان بخصوص‌بین آنهائی که وفادار به منشور ملی هستند، افزایش‌می‌یابد. باید امیدوار بود که این روحیه در میان آندسته از میهن پرستان که در لحظهٔ حاضر به منشور ملی و به سوسیالیسم کمتر اعتقاد دارند، اما صادقانه به مدرنیزه کردن و استقلال ملی وفادارند و به شایستگی‌خلق ما احترام می گذارند، گسترش‌یابد.

## خطرهائی که در کمین ماست

از سوی دیگر، این شرایط مساعد نمی تواند خطرها، دشواری ها و مسائل جدی را که در راه نوسازی و استقلال ملی سر بر آورده‌اند، پوشیده نگاهدارد. این دشواریها و خطرها می طلبند که ما از اعتقاد غالب و در عین حال‌مخرب که می گوید مرحلهٔ سوسیالیسم اکنون فرا رسیده یا بسیار نزدیك شده است، درگذریم.

ما هرگز حتی یك لحظه نباید این نکتهٔ اساسی‌را از یاد ببریم که الجزیره یکی از آماج های اصلی امپریالیسم جهانی است و ارتجاع‌محلی و منطقه‌ای به تحقق استراتژی عمومی وی در غارت و سلطه گری کمك می کنند.

هر چند کامیابی های نیروهای ترقیخواه و میهن پرست تا مدت معینی امپریالیسم و ارتجاع‌را دچار سرگیجه وپریشانی ساخته، اما آنها به دقت خود را برای تعرض‌متقابل آماده می سازند. رژیم پادشاهی مراکش‌که مورد حمایت امپریالیسم و شرکای وی در آفریقاست، بخاطر ترس‌از مسائل خاص‌درونی خود در مرزهای باختری ما دست به مداخلهٔ مستقیم می زند. ملك حسن دوم پادشاه مراکش‌زیر پوشش "حق تعقیب" واحدهای نظامی ویژه‌ای را برای سرکوب نمودن خلقهای آنگولا و موزامبیك و غیره اختصاص‌داده و در این کار به رژیم های فاشیستی منطقه چون رژیم نژاد پرست فورستردر آفریقای جنوبی کمك می کند. پادشاه مراکش‌خود را مکلف می بیند که به الجزیره و دولت وی فشار دائمی وارد کند تا از سیاست ضد امپریالیستی و به ویژه سیاست دفاع‌از آزادی، شایستگی و منافع‌خلق صحرا و نیروی سیاسی رهبری آن جبههٔ پولیساریو چشم بپوشد.

الجزیره نمی تواند راهی را که ضامن تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلابی ماست، ترك گوید. این راه به منافع ما و اصول همزیستی مسالمت آمیز بین کشورها خدمت میکند.

ما در برابر رژیم توسعه طلبی قرار داریم که به نقشه‌های استراتژیك صهیونیسم و امپریالیسم وابسته است، رژیمی که آشکارا مخالفتش‌را با حضور سیستمی مبتنی بر اصول سیاسی وایدئولوژیك دیگر در کنار مرز خود اعلام داشته است. این امر الجزیره را وا می دارد که نیروی دفاعی و اتحادهایش‌را هر چه بیشتر تحکیم و تقویت نماید.

امپریالیست ها موفق شده‌اند شکل های مختلف وابستگی جدید را به الجزیره تحمیل نمایند. البته این امر در پی کوشش‌هائی است که در راه پیشرفت کشور صورت گرفته، ولی همیشه با یك استراتژی توام‌با گوش‌بزنگی کافی همراه نبوده است. کمپانی های فوق ملی فشارهای گوناگونی به الجزیره وارد می آورند. آنها با دولت فرانسه در سوء استفاده از مسئلهٔ کارگران مهاجر الجزیره برای واداشتن این کشور به تعقیب راه "لیبرال" تر همکاری نزدیك دارند. امپریالیستها برای پیشبرد مقاصد خود از وام خارجی الجزیره که به سطح محسوسی در اعمال سیاست ملی رسیده که بدون آن اقدامات لازم میسر نیست، به نفع خود بهره برداری می کنند.

مالکان بزرگ ارضی، سوداگران، بازرگانان عمده و سایر محافل که با فعالیت سالم و فایدمند دولت مخالف اند، تبلیغات طبقاتی خود را در لحظه‌ای که گام‌های جدیدی در جهت ادامه کاری و ژرف‌کردن انقلاب ارضی برداشته میشود شدت می دهند.

امپریالیسم بین المللی، ارتجاع‌عرب و آفریقا و نیز انترناسیونال سوسیالیستی کوشش‌خود را در جدا ساختن کشورها و نیروهای انقلابی‌که باید بطورعینی علیه امپریالیسم‌متحد شوند، روز به روز افزایش‌می دهند. بدین منظور به سیاست ضد کمونیسم و ضد شوروی متوسل‌می شوند. آنها تلاش‌می ورزند جنبش‌غیر متعهد ها را از مضمون ضد امپریالیستی آن بی بهره سازند. هدف امپریالیسم پراکنده‌ساختن کشورهای غیر متعهد و مخالفت با شکل گرفتن جبههٔ واحدشان علیه امپریالیسم،نژاد پرستان آفریقای جنوبی، اقدامات چند ملیتی ها و دولتهای امپریالیستی و جلوگیری کردن از ایجاد نظم جدید اقتصادی است.

ودر خود الجزیره مخالفان راه سوسیالیستی نه تنها از دشواری های عینی در برابر رشد کشور، بلکه از تضادهای ذهنی و مسائل بی پایه‌ای که بین نیروهای میهن پرست سر بر می آورد، و نیز اختلافاتی که گاه بگاه در کارشان پدیدار می گردد، به نفع‌خود استفاده می کنند. آنها با همهٔ وسایل در راه تفرقهٔ نیروها تلاش‌می ورزند و از سازش‌وآشتی در بین نیروهای میهن پرست، ضد امپریالیست و ترقی خواه جلوگیری بعمل می آورند. بنابراین، نیروهای مذکور برای حفظ وحدت در میان خود به عنوان شرط مهم کامیابی‌ورسیدن به سطح بی سابقهٔ کیفی و خود آگاهی باید کوشش‌های زیادی بعمل آورند.

## وظایف اصلی

وظایف مطروحه متعدد و بسیار مهم اند. نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست الجزیره باید برای انجام این وظایف و حل مسائل پیچیدهٔ مبارزه درراه رشد کشور شرایط لازم را ایجاد نمایند. "وظیفهٔ اساسی دورهٔ کنونی مبارزه برای تولید است. باید با اسباب چینی ها و فشارهای امپریالیسم مبارزه کرد و ابزارهای سیاسی انقلاب را که برای تحکیم و گسترش‌آن ضرورت دارد، ایجاد نمود.

حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره بارها توجه را به این اندیشهٔ اساسی جلب کرده است: "الجزیره با تعیین سوسیالیسم به عنوان هدف خود، در این لحظه یك دورهٔ گذرا را طی می کند که مضمون اساسی طبقاتی آن ایجاد بخش‌دولتی و دفاع‌از خود در برابر امپریالیسم و ارتجاع است. طبقهٔ کارگر به عنوان طبقهٔ آینده در لحظهٔ معین نقش‌همواره عظیم تری ایفاء می کند و نسبت به کشور نه تنها مسئولیت وسیع‌اقتصادی بلکه سیاسی دارد که وظیفهٔ آن ایجاد موسسات و وسایل ضرور سیاسی است.

این امر مستلزم سطح عالی آگاهی انقلابی است و ازاین رو از چارچوب مسایل صرفا" اقتصادی و مسایل مربوط به کار در می گذرد. باید بطور موثر به حفظ و تحکیم شرایط مساعد کنونی سیاسی و اتحاد عظیم میهن پرستانه پیرامون منشور ملی و گزینش‌راه سوسیالیستی کمك نمود.

وظایف اساسی این مرحله از انقلاب الجزایر عبارتند از:

ـ در پیش‌گرفتن سیاست منطقی ضد امپریالیستی‌درامور داخلی و خارجی.

ـ به اجرا درآوردن و تعمیق دموکراسی انقلابی در آن چه که مربوط به ایجاد و کارکرد ابزارهای سیاسی انقلاب است.

بنابراین‌مسئله عبارت از بالا بردن دائمی سطح ایدئولوژیکی‌وسیاسی به‌منظورهدایت بهتر مسائل مرحلهٔ مفروض بر اساس‌حفظ دستاوردهای ملی دموکراتیك برای پیشرفت درراه سوسیالیسم است. نیروهای میهن پرست قبل از هر چیز باید به تعقیب مجموع‌راهی که سال گذشته به ایجاد شرایط مساعد‌تر برای شکل بندی دو ابزار توامان سیاسی انقلاب انجامید ادامه دهند:

ـ جنبش‌وسیع‌توده ای، شکلی که در حال حاضر با تشکیل جبههٔ ضد امپریالیستی تحقق یافته، نیاز مبرم‌کنونی حیات سیاسی الجزیره است و در آینده همواره برای وی ضروری خواهد بود.

ـ حزب نیرومند پیشاهنگ مبتنی بر اصول سوسیالیسم علمی که برای رهبری انقلاب سوسیالیستی در راٴس این جنبش‌وسیع، جبههٔ ملی ضرورت دارد.

در این راه پیشرفت هائی حاصل شده است. این‌پیشرفتها مدیون دریافتی است که ایجاد ابزارهای سیاسی را به شکل بندی سادهٔ دستگاه بوروکراتیك محدود نمی سازد بلکه آن را به هدف ها و مبارزهٔ خلقها و مبارزان و دولت

بقیه درصفحهٔ ۷

# فصلی از کتاب داغستان من

از: رسول حمزه توف ترجمهٔ م. فرنوش

## مقدمه

نوشتهٔ زیر بخشی است از کتاب "داغستان من" اولین اثر منثور رسول حمزه‌توف شاعر بزرگ "آوار" زبان داغستانی و برنده جایزهٔ لنین. "داغستان من" در ادبیات معاصر اتحاد شوروی حادثهٔ مهمی تلقی می شود. این کتاب که سبکی غیرعادی و بدیع دارد، نوعی اتوبیوگرافی است که اعترافات نویسنده، وعقاید او را درباره زندگی و هنر و عشق پرشورش‌را به داغستان بازگو می کند. سبك بدیع کتاب، با شیوه‌های نثر نویسی شرقی درآمیخته است، یعنی سرشار است از کلمات قصار، ضرب المثل ها و حکایات کوتاه و جابجا چند بیت شعر یا داستانی کوتاه روند عادی نوشته را قطع می کند. واینها همه، گاه خیال انگیز، گاه غمناك، و زمانی آموزنده و سرشار از دریافتی است که تنها در ادبیات عوام یافت می شود.

رسول حمزه تف در کوههای قفقاز، در دهکده‌ای کوچك نزدیك خزر متولد شد. پدرش "حمزه‌تف تسادا سا" شاعر مردم داغستان بود. رسول از یازده سالگی شعر میسرود و پس‌از اتمام دورهٔ دبیرستان وارد انستیتوی ادبیات مسکو شد و تحت تعلیم شاعران برجستهٔ شوروی قرار گرفت. درهمان زمان اشعار وی به زبان روسی ترجمه شد و به زودی جای خود را در ادبیات معاصر شوروی باز کرد.

رسول به بیشتر نقاط دنیا سفر کرده، اما همواره به دهکدهٔ کوچك خویش "تسادا" در کوههای داغستان بازگشته است، تا از زندگی‌نوین مردم و طبیعت زیبای سرزمین خود بنویسد: "داغستان تو عشق من، عهد و میثاق من و نماز من هستی. تو به تنهائی موضوع‌اصلی تمام آثار من و سراسر زندگی من هستی".

نزدیك به چهل جلد آثار رسول حمزه‌تف به تمام زبان های جمهوری های شوروی و چندین زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است. او با نوشته‌هایش، رسالت معرفی سرزمین و خلق داغستان را به جهانیان، به نیکی انجام داده است.

## چگونه این کتاب زاده شد و کجا نوشته‌شد

حتی بچه‌های کوچك رویاهای بزرگ دارند.
(نوشته‌ای روی یك گهواره)

تفنگی را که فقط یکبار به آن نیاز پیدا می کنیم، تمام عمر به دوش‌می کشیم.
ابیاتی را که تمام عمر زمزمه می‌کنیم، فقط یکبار می نویسیم.

پرنده‌ای بهاری، بر فراز دهکده‌ای بهاری به پرواز درآمد. او به دنبال جائی بود تا راحت کند. پرنده، بام صاف و وسیع و پاکیزه یك "ساکلیا" را که غلطکی سنگی روی آن قرار داشت، نشانه رفت. از فراز آبی بلند فرود آمد و بر سنگ نشست تا بیارامد. زنی چالاك، پرنده را گرفت و به داخل "ساکلیا" برد. پرنده دید که همه در آن خانه با او مهربانند، پس‌آنجا ماندگار شد لانه‌ای برای خود روی نعل اسبی که به دیوار قدیمی‌ود ود زده‌آویخته‌شده‌بود، ساخت:

آیا کتاب من چیزی شبیه به این نیست؟

چند بار من از فراز آسمان شعرم به دره نثر نگریسته ام و به دنبال جائی بوده‌ام تا بر آن فرود آیم.

نه، بهتر است هواپیمائی را مثال بزنم که می خواهد بر فرودگاهی بنشیند. من آخرین چرخ را قبل از فرود می زنم، اما برج کنترل به خاطر بدی هوا، اجازه‌نشستن نمی دهد. پس‌باز اوج می گیرم، پرواز می کنم و به پرواز ادامه می دهم. سرزمین آمال من، باز آن پائین، در دور دست ها باقی می ماند ... این بارها برای من اتفاق افتاده است.

پس‌فکر کردم که هرگز نمی توانم سنگی محکم برای تکیه کردن پیدا کنم. پاهایم باید همچنان زمین را درنوردند. چشم‌هایم بدنبال جائی تازه بر زمین، هرگز نیارامند و قلبم ترانه‌های نو بسراید، اما آرام نگیرد.

مانند شخم زنی که سربلند می کند و ابری را که ازفراز سرش‌می گذرد، یا فوجی از درناها را که با هم پرواز می‌کنند، با ستایش‌می نگرد و سپس‌با نیروئی دو چندان دسته‌های خیش‌را می فشارد، من نیز شعری را که نیمه کاره رها کرده بودم، از سر می گیرم.

اگر چه بارها شعرم را با افلاك مقایسه کرده‌ام، اما او کشتگاه من است، زمینی است در انتظار شخم، کاری است ناتمام بر فراز یك تپه. تاکنون به نثر چیزی ننوشته‌ام.

روزی یك نامه دریافت کردم. پیغامی بود از سوی سردبیر یکی از مجلاتی که برای من خیلی محترم بود. اتفاقا" خود سردبیر هم نزد من خیلی محترم بود. سردبیر نامه‌اش‌را با این جملات آغاز کرده بود: "رسول محترم." به طور کلی این کلمه عمیق محترم آدم را ناراحت می کند.

وقتی کاغذ را باز کردم، به نظرم آمد که مثل پوست بوفالوئی است که کوه نشینان ما روی بام های مسطح شان پهن می کنند تا خشك شود. وقتی نامه را خواندم، صدای خش‌خش‌صفحات آن درست مثل همان پوست بوفالو بود که حالا خشك شده است و دارند چهارتایش‌می کنند تا به داخل ساکلیا ببرند. فقط بوی تند پوست نمی آمد. نامه اصلا" بوئی نداشت.

سردبیر نوشته بود: "ما تصمیم گرفته‌ایم در شماره‌های آینده مجله‌مان، دست‌آوردها، تلاش‌های مثبت و کار روزانه را در داغستان منعکس‌کنیم. این باید داستان کارگران باشد. مردان و زنان معمولی، کارها و آرزوهایشان. داستان "فردای" روشن سرزمین کوهستانی مان، با سنت های دیرینش. اما این داستان باید بیشتر داستان "امروز" باشد. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که هیچکس‌جز تو نمی تواند چنین مطلبی بنویسد. این دیگر بستگی به خود تو دارد که سبك کار را تعیین کنی، داستان کوتاه، مقاله، طرح، یادداشت، یا ... طول مطلب نباید از نه یا ده صفحه بیشتر با ماشین تحریر باشد و بیست الی بیست و پنج روز مهلت داری. ما امیدواریم ... و قبلا" از تو تشکر می کنیم. ..."

روزگاری بود که دختر را بدون نظر خواهی از خود ش‌به شوهر می دادند. یعنی به سادگی او را در مقابل عملی انجام شده می گذاشتند. به او می گفتند که ترتیب همه چیز داده شده‌است. اما حتی در آن روزگار هم هیچکس در کوهستان های ما جرئت نمی کرد پسرش‌را اینگونه زن دهد. می گویند مردی در "گی داتلی" این را گفته است اما آیا سردبیر محترم من هم ازروستاهای "گی داتلی" می آید؟ او ترتیب همه چیز را برای من داده است. اما آیا من تصمیم گرفته‌ام که داستان داغستانم را در نه صفحه و در ظرف بیست روز بنویسم؟

با خشم نامه‌ای را که برایم آنقدر موهن بود به دورترین نقطهٔ اتاق پرتاب کردم. مدتی بعد تلفنم با چنان سماجتی شروع‌به زنگ زدن کرد که انگار تلفن نیست بلکه مرغی است که می خواهد تخم بگذارد. مطمئنا" از دفتر مجله بود.

"سلام رسول، نامه‌مان بهت رسید؟"

"رسید".

"پس‌مطلب کجاست؟"

"خوب‌میدانید ... کارهای مختلفی داشتم که ..... یعنی وقت نداشتم ...".

"گوش‌کن رسول، تو نمی‌توانی اینطور حرف ما را زمین بزنی. ما نزدیك به یك میلیون تیراژ داریم. مجلهٔ ما حتی در خارج هم خوانده می شود. اگر واقعا" خیلی گرفتاری ما یکنفر را می فرستیم کمکت کند. تو فقط به او چند ایده بده او خود ش‌باقی کار را انجام می دهد. بعدا" فقط مطلبش را مرور کن، تنظیم کن و امضای خودت را هم بگذار. مسئله مهم امضای‌توست."

"هر کس‌که دوست‌ندارد مهمان‌به خانه‌اش‌بیاد، حقش است که تمام استخوان هایش‌بشکنند، و اگر کسی با اوقات تلخی با مهمان برخورد کند یا اخم هایش‌را در حضور مهمان توی هم بکشد حقش‌است که هرگز نه هیچ پیری برای راهنمائی‌کردن و نه هیچ جوانی برای راهنمائی شدن به خانه‌اش‌بیاید. ما در سرزمین مان اینطور به مهمان اهمیت می دهیم. فقط بخاطر الله، سالی خالف را پیش‌من نفرست من بدون کمك او هم می توانم سازم را کوك کنم و گلیمم را از آب بیرون بکشم. می گویند، کس‌نخارد پشت من جز ناخن انگشت من ..."

حرف هایمان همین جا تمام شد. والسلام، والکلام.
پس یك ماه مرخصی گرفتم و به سوی دهکده زادگاهم "تسادا" براه افتادم.

تسادا! هفتاد اجاق گرم. دود آبی رنگ، که ازهفتاد دودکش‌به آسمان پاك کوهستان سر می کشید. ساکلیاهای سپید بر متن سیاه خاك. دشتهای سبز مسطح مشرف بر دهکده و کلبه‌ها. و پشت دهکده، کوهستان که سر بیرون کرده است. صخره‌های خاکستری چنان بر فراز دهکدهٔ ما آویخته‌اند که گوئی کودکانی بر پشت بام گرد آمده اند تا جشن عروسی را که در حیاط خانه برگزار می شود دزدانه تماشا کنند.

وقتی به تسادا رسیدم بیاد نامه‌ای افتادم که پدرم در اولین سفرش‌به مسکو برایمان فرستاده بود. همیشه مشکل می شد تشخیص‌داد که پدر شوخی می کند یا جدی حرف می زند. مسکو برای پدر حیرت آور بود.

"به نظر می رسد که اینجا در مسکو، مردم برای پخت وپز در خانه‌هاشان آتش‌روشن نمی کنند. تا به حال هم زنی را ندیده‌ام که روی دیوار خانه "کی زیاك"(۲) درست کند. از روی پشت بام‌ها هم که دودی شبیه به کلاه پوستی‌ابوطالب باشد بلند نمی شود. از غلطك هائی که با آن پشت بام‌هامان را صاف می کنیم خبری نیست. من نمی بینم اینجا مردم روی‌بام‌هاشان یونجه خشك کنند. اما اگر اصلا" یونجه خشك نمی کنند، پس‌به گاوهاشان چه می دهند؟ تا بحال حتی یك زن را هم ندیده‌ام که با یك دسته هیزم یا یك بار علف راه برود. نوای سورنا(۳)، و صدای دایره رانشنیده‌ام انسان از خود ش‌می پرسد، پس‌این ها مگر ازدواج نمی‌کنند، جشن عروسی نمی گیرند؟ نمی دانید چقدر در خیابان های این شهر غریب راه رفته‌ام و هنوز حتی یك گوسفند هم ندیده‌ام. حالا این سؤال پیش‌می آید که مردم مسکو وقتی برایشان مهمان می آید چه چیز را قربانی می‌کنند؟ اگر با قربانی یك گوسفند، به مهمانشان خیر مقدم نمی گویند، پس‌چه می کنند؟ نه، من حسرت این زندگی را نمی خورم. می خواهم زودتر به "تسادا" برگردم تا بتوانم با خیال راحت، خینکالی(۴) بخورم و به زنم هم بگویم که مقدار زیادی سیر به آن بزنند ..."

پدر وقتی مسکو را با دهکدهٔ زادگاهش‌مقایسه می کرد، کمبود های زیادی در آن شهر می دید. مسلما" وقتی می‌گفت که چرا روی دیوارهای شهر "کی زیاك" خشك نمی‌کنند، شوخی می کرد اما وقتی‌می گفت دهکدهٔ خود ش را به آن شعر بزرگ ترجیح می دهد، حرفش‌جدی بود. او عاشق "تسادا" بود و حاضر نبود آن را با هیچیك از پایتخت های بزرگ عالم عوض‌کند.

تسادای عزیزم! من از همان دنیا به سوی تو باز می گردم که پدر آن همه "کمبود" در آن می دید. من سراسر جهان را درنوردیده‌ام و چیزهای حیرت آور بسیار دیده‌ام. چشم‌هایم آنقدر زیبائی دیده که خیره مانده‌است نگاهم از یك معبد پرشکوه، بر معبدی دیگر، از یك چهرهٔ زیبا، بر چهره‌ای دیگر گذر کرده است، اما همیشه اندیشیده‌ام که هر اندازه چیزی که اکنون می بینم زیبا باشد باز فردا چیزی زیباتر خواهم یافت ... مگر نمی دانی که جهان، بی کران است؟

من از بتکده‌های هندوستان، اهرام مصر و کلیساهای ایتالیا طلب بخشایش‌می کنم و امیدوارم که شاهراه های آمریکا، بلوارهای پاریس، پارك های بریتانیا و کوهستان های سویس و نیز زنان لهستان، ژاپن و رم مرا ببخشایند. من همهٔ شما را ستایش‌کرده‌ام. اما به هنگام دیدار شما ضربان قلبم تغییری نکرده است، و در دهانم احساس خشکی و در سرم احساس‌سرگیجه نکرده‌ام.

پس‌چرا نمای هفتاد "ساکلیا" که کوهپایه را در آغوش گرفته‌اند، قلبم را به تپش وا میدارد و اعضای بدنم را به درد می آرد، چشم‌هایم را تار می کند و سرم را آن چنان به دوران می اندازد که گوئی مست یا بیمارم؟

آیا ممکن است که دهکده‌ای کوچك در داغستان زیباتر از ونیز، قاهره، یا کلکته باشد؟ آیا آن زن "آواری" که با باری از هیزم کوره راهی را طی می کند، خوبروتر از زن بلند بالا و طلائی موی اسکاندیناویائی است؟

تسادا! من در مزارع‌تو سرگردان می شوم و شبنم خنك صبحگاهی‌پاهای‌خسته‌ام را شستشو می دهد. صورتم را در جویبارهای کوهستانی و آب چشمه‌ساران فرو می برم. گفته‌اند که اگر تشنه‌ای از آب چشمه ای بنوش‌که از دل زمین می جوشد. و نیز گفته‌اند که ــ پدرم هم می گفت ــ مردان تنها دو بار ممکن است‌به زانو بیفتند: که از آب چشمه‌ای بنوشند، یا گلی را بچینند.

تسادا، تو چشمه‌سار منی، به زانو می افتم و جرعه جرعه می نوشمت.

بقیه در صفحهٔ مقابل

بقیه:

## قطعنامه دربارهٔ امنیت و...

کشورهای ناتو که توازن قوای موجود را به هم میزند و اروپا را در معرض یک تهدید هسته‌ای تازه و جدی قرار می دهد ، به سبب آن که منظور از آن عقیم گذاشتن توافق سالت ۲ می باشد ، افزایش تصاعدی جدید تسلیحات هسته‌ای را در اروپا موجب خواهد شد ۰ در نتیجهٔ این وقایع اوضاع بین المللی بطور جدی به وخامت گرائیده است ۰ پاره‌ای حوادث گوناگون بین المللی که در ارزیابی آنها اختلاف نظرهائی می تواند باشد ، به ایجاد جو خطرناکی برای صلح کمك کرده است تشنج زدائی در اروپا جدا" به خطر افتاده است و این امر به طور عمده در نتیجهٔ عدم تصویب موافقتنامهٔ سالت ۲ از سوی ایالات متحدهٔ آمریکا و نیز تصمیمات ناتو در واشنگتن به سال ۱۹۷۸ و در بروکسل به سال ۱۹۷۹ می باشد ۰

این اوضاع خطیر ، اقدام واحدی را از سوی وسیع‌ترین اتحاد نیروهای صلح دوست می طلبد تا بتوان هرگونه فعالیت امکان پذیر را برای مقابله با خطر جنگ سازمان داد ۰ آنچه منظور ماست عبارت است از :

– درخواست اجرای کامل سند نهائی هلسینکی ،

– درخواست آن که تشکیل اجلاس آتی کمیتهٔ امنیت و همکاری اروپا در مادرید در پائیز امسال مشروط به شرط قبلی نباشد ،

– درخواست آن که در اجلاسیه مادرید ، امضاء کنندگان توجه خود را بر اجرای سند نهائی هلسینکی متمرکز کنند و در فضای روحی سازنده‌ای به کار بپردازند ۰

– پشتیبانی از پیشنهاد تشکیل کنفرانسی در بارهٔ رفع تشنج نظامی و خلع سلاح در اروپا پس از اجلاس مادرید و تلاش برای پیشرفت واقعی مذاکرات وین در خلال این مدت ،

– پافشاری برای لغو یا تعلیق تصمیم مربوط به صف آرائی موشکهای هسته ای با برد متوسط ( پرشینگ ۲ و کروز ) ، در اروپای غربی و شروع مذاکرات در این باره ،

– درخواست تصویب فوری قرارداد سالت ۲ ،

– ایراد فشار به منظور انعقاد پیمان خودداری از مقدم‌شدن در استفاده از سلاح های اتمی و غیراتمی بین امضاء کنندگان کمیتهٔ امنیت و همکاری اروپا ،

– تشویق پژوهش‌ها و اقداماتی که به تبدیل تولیدات جنگی به تولید صلح آمیز منجر شود ،

– حفظ و گسترش همه گونه تماس‌ها و همکاری‌های اقتصادی ، فرهنگی ، علمی و ورزشی که پیش‌از این در اروپا صورت می‌گرفته است ۰

این فعالیت ها به ثبات افکار عمومی در اروپا و سایر نقاط جهان کمك خواهد کرد و تشریك مساعی همگان را برای موفقیت " پارلمان جهانی ملت ها برای صلح " که از ۲۳ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در صوفیه بر پا می شود ، تشویق خواهد کرد ۰

---

تخته سنگی را می بینم و هیکلی سایه وار بر آن ۰ این من هستم ، سی سال پیش‌از این ، روی سنگ نشسته‌ام و به گله گوسفندان چشم دوخته‌ام ۰ کلاه پوستی بزرگی بر سر دارم و چوب بلندی در دست ۰ خاك روی پاهایم نشسته است ۰

کوره راهی می بینم و هیکلی سایه وار در آن ۰ این من هستم ، سی سال پیش‌از این ۰ به دهکدهٔ همسایه می روم ، احتمالا" پدرم مرا دنبال کاری فرستاده است ۰

در هر قدم خودم را می بینم ، سال های کودکی ام را ، بهارانی را که گذشته اند ، آن‌باران ها ، گل ها ، و برگ‌های پائیزی را که فرو می افتادند ۰

برهنه می شوم و زیر آبشار نقره فام می ایستم ۰ جویبار که از تخته سنگی فرو می ریزد ، به هشت آبشار کوچك تقسیم می شود ، که باز هم به هم می پیوندند و باز آن آبشار بزرگ بر سر و دست و شانه‌هایم فرو می ریزد و می شکند ۰ دوش‌آب رویال پالاس‌پاریس ، در مقایسه با آبشار سرد من به بازیچه‌ای پلاستیکی می ماند ۰

در میان سنگها برکه‌ای است ۰ آب جویبار کوهستانی قطره قطره فرو می ریزد و برکه را پر می کند ۰ آب در آفتاب نیمروز گرم و مطبوع می شود ۰ وان آبی رنگ هتل متروپل لندن در مقایسه با برکهٔ کوهستانی من ، به دستشوئی کوچکی می ماند ۰

به راستی که من شیفتهٔ پرسه زدن در خیابان های شهرهای بزرگ هستم ۰ اما همیشه پس‌از پنج یا شش‌بار پیاده روی طولانی ، شهر تازگی اش‌را برایم از دست می‌دهد و تمام اشتیاقم برای ادامه گرد ش‌از میان می رود ۰

اما اینجا ، در خیابان های کوچك دهکده‌ام برای هزارمین بار راه می روم و سیر نمی شوم ۰ اشتیاقم فرو نمی نشیند ۰

این بار به یك یك خانه‌ها سر کشیدم و در برابر تمامی اجاق های سنگی ، با آتش‌فروزان ، یا با ذغال برافروخته ، و یا با خاکستر سرد و بی جان سرفرود آوردم ۰ بر سر من نیز خاکستر سرد و سپید زمان نشسته بود ۰

در کنار گهواره‌ها ایستادم ۰ گهواره‌هائی که زنان و مردان آیندهٔ کوهستان را در خود می پروردند ۰ در کنار گهواره‌هائی که خالی بودند ، اما هنوز گرمای تن آدمی را در خود داشتند ، ایستادم ۰ در کنار گهواره‌هائی که مدت های مدید بود که سرد و خاموش‌بودند ایستادم ۰

در هر گهواره خودم را خفته می دیدم و به نظرم می‌آمد که هنوز تمامی زندگی را پیش‌رو دارم : راههای کوهستانی را ، جاده‌های پهناور روسیه را و شاهراه‌ها و فرودگاههای سرزمین های دور دست را ۰

بر گهواره‌های کودکان خم شدم و برایشان لالائی خواندم ۰ آنقدر خواندم تا به آواز ساده من به خواب رفتند ۰

و نیز در گورستان " تسادا " پرسه زدم ، جائی که گورهای قدیمی و پوشیده از علف ، با گورهائی که بوی خاك تازه می‌دهد ، در هم آمیخته‌اند ۰

در مجالس‌ترحیم خاموش‌نشستم و در جشن‌های عروسی شادمانه رقصیدم ۰ قصه های بسیار شنیدم ، افسانه‌هائی که هرگز نشنیده بودم ۰ و آنچه که روزگاری می دانستم و از یادم رفته بود ، باز به یاد آوردم ۰ از ژرفنای تاریك و بی انتهای حافظه‌ام ، خاطره‌ها بیرون جوشید ۰

آنچه را که تازه بود با چشمانم می دیدم ، و به آنچه که کهنه بود گوش‌می سپاردم و بیاد ش‌می آوردم ۰ اندیشه‌هایم همچون نخ های رنگینی که گرد دوك نخ ریسی پیچیده می‌شوند ، با هم می آمیختند ۰ در ذهنم تصویری نقش‌کردم از فرشی هزار رنگ که با تار و پود این اندیشه‌ها خواهم بافت ۰

همین دیروز بود که با کودکان هم بازی
لانه‌های پرندگان را غارت می کردیم
و بعد ناگهان من بزرگ شدم
و عشق چشم آبی ام از راه رسید ۰
همین دیروز بود که من مردی بزرگ بودم
خشك و جدی و قابل احترام
و بعد ناگهان عشق از راه رسید
و چنان لبخندی زد که باز مرا
به کودکی مبدل کرد ۰

بله ، من یك شعر عاشقانهٔ ناتمام دارم ۰ در بارهٔ یك مرد و یك زن ۰ من آن مرد هستم ، و قهرمان زن ، معشوقهٔ من است ۰ باید شعر را به پایان برسانم ، اما مثل کسی که تلگراف مهمی دریافت کرده باشد ، تمام کارهایم را زمین می‌گذارم و به طرف فرودگاه می روم ۰

ممکن است اینطور اتفاق بیفتد : زنی از اهالی کوهستان صبحدم آتش‌اجاق را می افروزد ۰ می خواهد آنچه که از غذای دیشب مانده ، گرم کند ۰ آن غذا برای تمام خانواده‌کافی است ۰ اما ناگهان مهمانی از راه می رسد ۰ پس غذای دیروز را باید بکناری نهاد و غذای تازه فراهم کرد ۰

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد : در مجلس‌عروسی مردان جوان در کنار داماد نشسته‌اند ۰ آن‌ها دوستان و همنشینان داماداند ۰ اما ناگهان بزرگتر ها وارد مجلس می شوند و آن ها ناگزیر بر می خیزند و جای خود را به پیران می سپارند ۰

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد : در اتاق پذیرائی بزرگ‌تر ها جمع شده‌اند ۰ کودکان هم همانجا بازی می‌کنند ۰ اما ناگهان کودکان را از اتاق بیرون می کنند تا در بارهٔ موضوع مهمی با هم بحث کنند ۰

گاه به نظرم می رسد که به یك شکارچی ، یا یك ماهیگیر یا یك اسب سوار می مانم ۰ ایده‌ها را شکار می کنم ، می گیرم و بر آن ها مهار می زنم ۰ ایده‌ها را به مهمیز می کشم ۰ و گاه به نظرم می آید که یك آهو ، یك ماهی یا یك اسب هستم و حالا این ایده‌ها هستند ، افکار و احساسات هستند که بدنبالم می آیند ، مرا می گیرند ، مهارم می زنند و به مهمیزم میکشند ۰

به راستی که اندیشه و احساس ، مانند مهمان در کوهستان : بدون دعوت و سرزده از راه می رسند و همانطور که نمی‌توان خود را از مهمان پنهان کرد ، از آنان هم نمی توان گریخت ۰

ما مردم کوهستان ، تفاوتی میان مهمان ها نمی گذاریم و آن ها را به مهم و غیر مهم ، یا اصلی و فرعی تقسیم نمی‌کنیم ۰ بی اهمیت ترین مهمان ها ، تنها به این خاطر که مهمان ماست ، برایمان بسیار عزیز است ۰ بی اهمیت ترین مهمان ها احترام بیشتری دارد تا پیر ترین مهمانداران ۰ ما بی آنکه از مهمان بپرسیم که از کجا می آید ، تا آستانه در به پیشواز ش‌می رویم ، او را تا جایگاه گرم کنار آتش‌راهنمائی می کنیم و بر بالش‌های نرم می نشانیم ۰

در کوهستان ، مهمان همیشه بی خبر می آید ۰ اما ما هم همیشه انتظار ش‌را می کشیم و از آمد نش‌حیرت نمی کنیم ۰ ما همیشه در انتظار مهمانیم ۰ هر روز ، هر ساعت ، هرلحظه موضوع این کتاب طوری به سراغ من آمد که مهمان در کوهستان می آید ۰

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد : که تو با بی حالی پاندور را از روی دیوار بر می داری و فقط برای اینکه کار دیگری نداری که بکنی با آن بازی‌می کنی ۰ می خواهی ببینی آیا کوکش‌میزان هست یا نه ۰ چند زخمه بر آن می زنی ۰ بعد نوائی به ذهنت می رسد ۰ اصوات به نرمی در فضا رها می شوند ۰ آنگاه شروع به خواندن می کنی و هیچ نمی فهمی که شب به پایان رسیده است و صبح می دمد ۰

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد : جوانی برای یك کار بی اهمیت به دهکدهٔ مجاور می رود ، اما وقتی بر می گردد پشت زین اسبش‌همسر جوانی نشسته است ۰

سردبیر عزیز ، من با تقاضای شما موافقت می کنم و به زودی کتابی در بارهٔ داغستان خواهم نوشت ۰ اما باید مرا ببخشید که نمی توانم در مهلت مقرر کتاب را آماده کنم ۰ کوره‌راههای بسیاری هستند که باید بپیمایم و می دانید که راههای کوهستانی سخت و پیچاپیچند ۰

کوهستان من در دور دست درخششی سحر انگیز دارد و به هزاران قطعه گوهر پرداخت نشده می ماند ۰ سمند من در فضائی بیکرانه باید بتازد و نمی خواهد در دره ای تنگ براند ۰

من نمی توانم داغستانم را در نه یا ده صفحه خلاصه کنم و نیز نمی توانم در باره " دست‌آورد ها ، تلاش‌های مثبت ، و کار روزانه " ، " مردان و زنان معمولی ، کارها و آرزوهایشان " ، " " فردا "ی سرزمین کوهستانی ام ، و سنت های دیرینه‌اش و یا در بارهٔ " امروز " ش‌چیزی بنویسم ۰

قلم ناتوان من نمی تواند این بار سنگین را تحمل کند ۰ این قطرهٔ کوچك جوهر که بر نوك قلم من می لغزد ، نمی‌تواند رودهای آرام و عظیم سیلاب های پر همهمه کوهستانی یا سرنوشت جهان و تقدیر انسان را در خود جمع کند ۰

پرنده بزرگ پر خون است و پرنده کوچك کم خون ۰ مقدار خون پرنده به بزرگی و کوچکی او بستگی دارد ۰

گفته‌اند که : کسی هسته میوه‌ای را دور انداخت ۰ اتفاقا آن هسته برسر گوزنی افتاد ۰ از آنجا شاخه‌هائی پر شکوه روئید ۰

گفته‌اند که : اگر علی نمی بود ، هرگز عمری پیدا نمی شد ۰ اگر شب نمی بود ، هرگز صبح جائی برای بیرون آمدن پیدا نمی کرد ۰

گفته‌اند که : " ای عقاب در کجا زائیده شدی ؟ "
" در دره‌ای باریك " ۰
" ای عقاب به کجا پرواز می کنی ؟ "
" به آسمان های پهناور " ۰

---

زیرنویس‌ها

* مردم داغستان قریب سی و شش‌ملیت مختلف را تشکیل می دهند ۰ " اوار " ها یکی از این ملیت ها هستند و زبان خاص‌خود را دارند ۰

۲ – کی زیاك نوعی کود خیوانی‌است که برای سوخت بکار می رود ۰

۳ – سورنا سازی شبیه به آبوای غربی هاست ۰

۴ – خینکالی نوعی کباب پر ادویه است ۰

۵ – پاندور آلتی موسیقی شبیه به پاندورای باستانی که در قفقاز از آن استفاده‌می شود ۰

# قانون اساسی تازهٔ افغانستان

اخیرا قانون اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان ازسوی شورای انقلاب آن کشورانتشاریافت ونافذ گشت. نظر به ضرورت آگاهی درست ما ایرانیان برحوادث کشوربرادر ودوست وهمسایه‌مان افغانستان به منظوراتخاذ سیاستی واقع بینانه ودوراز تلقینات مغرضانهٔ عمال امپریالیسم که به یک اندازه باانقلاب ایران وانقلاب افغانستان دشمنی دارند وبه یک اندازه درتخریب ارکان هردوانقلاب میکوشند، ماعین قانون اساسی نامبرده رادردسترس خوانندگان عزیزمیگذاریم، باشد که به روشن شدن اذهان کمک کند.

"اتحاد مردم"

## اعلامیهٔ

**شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان مبنی برتصویب واعلام اصول اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان**

**۲۵ حمل ۱۳۵۹**

شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان به‌نمایندگی ازتمام مردم مسلمان زحمتکش افغانستان، به اساس ارادهٔ واقعی ومنافع کارگران، دهقانان، کسبه کاران، کوچیان، روشنفکران وسایرزحمتکشان وکلیهٔ نیروهای دمکراتیک ووطنپرست، تمام ملیت ها، اقوام وقبایل کشور.

بااحترام عمیق ورعایت جدی به عنعنات تاریخی، ملی، وفرهنگی ودینی مردم مشرافتمند افغانستان.

باپیروی قاطعانه ازدین مبین اسلام.

بااحترام به‌اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر.

باپیروی ازسیاست صلحجویانه ودوستی وهمکاری باتمام خلقهای منطقه وجهان.

بمنظوردفاع ازاستقلال ملی، تمامیت ارضی ونظام جمهوری دمکراتیک افغانستان.

بمنظورتحکیم وحدت وبرادری واتحاد خلقها وتمام ملیتها، اقوام وقبائل ساکن در وطن محبوب واحد ما افغانستان.

بمنظورانکشاف پیروزمند انقلاب ملی ودمکراتیک ثور وتحقق اهداف وآرمانهای آن مبنی برایجاد جامعهٔ نوین صلح وکار، آزادی وعدالت، برادری وبرابری، دمکراسی وترقی، اصول اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان راتصویب، نشر وانفاذ آن راازتاریخ اول ثور ۱۳۵۹ اعلام میدارد.

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول اساسی

# جمهوری دمکراتیک افغانستان

## فهرست



انقلاب ثور ۱۳۵۷ که در ۶ جدی ۱۳۵۸ وارد مرحلهٔ نوین خود درتاریخ پرافتخارملی افغانستان گشت، انقلاب ملی دمکراتیک ضد فئودالی وضد امپریالیستی راآغاز نمود، درنتیجه انقلاب ثوردولت طرازجدید جمهوری دمکراتیک افغانستان که بیانگرآرمانها ومدافع منافع دیرینهٔ زحمتکشان وتمام خلقهای کشورمیباشد بوجود آمد. مردم شرافتمند وزحمتکش افغانستان درمسیرتحول انقلاب اجتماعی وقوام ملی وبه پیروزی رسانیدن نهائی انقلاب ملی دمکراتیک واعمارجامعهٔ نوین که برمبنای صلح وآزادی، ترقی وعدالت، برادری وبرابری استوار است قرار گرفتند. سوق دادن افغانستان ازعقب ماندگی بسوی پیشرفت اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقهٔ کارگروتمام زحمتکشان کشوربه‌اساس ارادهٔ تودههای وسیع مردم، احترام عمیق ورعایت جدی عنعنات ملی، تاریخی، کلتوری ودینی مردم، باپیروی قاطعانه ازاصول دین مبین اسلام، احترام به‌اعلامیهٔ حقوق بشر، برمبنای سیاست صلحجویانهٔ دوستی، همکاری باتمام خلقهای منطقه وجهان صورت می‌گیرد.

جمهوری دمکراتیک افغانستان دفاع ازاستقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، تحکیم عمیق دستاوردهای انقلاب ثوروتحقق اهداف وآرمانهای والای آن، تحکیم، رشد وتکامل بیش ازپیش نظام مترقی وپیشرو جمهوری دمکراتیک افغانستان. تامین اشتراک وسیع وفعال زحمتکشان وتمام نیروهای دمکراتیک ترقیخواه و وطنپرست کشوردرتحولات انقلاب ملی ودمکراتیک ضد فئودالی وضد امپریالیستی ودفاع ازوطن وانقلاب ثورراکه توسط حزب دمکراتیک خلق افغانستان وشورای انقلابی صورت میگیرد وظیفهٔ خود میداند.

بمنظورتحقق اهداف متذکره، شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان به مثابهٔ عالی‌ترین ارگان (مقام) قدرت دولتی کشورومثل واقعی آزادی وارادهٔ تمام مردم افغانستان فیصله نمود که تازمان تصویب قانون اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان بوسیلهٔ لویه جرگه (شورای عالی) این اصول اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان منظوروناقد گردد:

## فصل اول

اساسات نظام اجتماعی، سیاسی واقتصادی.

مادهٔ اول:

جمهوری دمکراتیک افغانستان دولت مستقل ودمکراتیک تمام مردم زحمتکش مسلمان افغانستان اعم ازکارگران، دهقانان، کسبه‌کاران، کوچیان، روشنفکران وسایرزحمتکشان وتمام نیروهای دمکراتیک ووطنپرست کلیهٔ ملیت ها واقوام کشورمیباشد.

مادهٔ دوم:

دولت برای رفاه وسعادت مردم خدمت نموده زندگی صلح آمیز، مصون وآرام رشد همه جانبهٔ افراد، حفظ حقوق، ملکیت حیثیت، رسوم وعنعنات ملی ایشان راتامین می‌کند. درجمهوری دمکراتیک افغانستان قدرت دولتی متعلق به زحمتکشان شهرودهمی باشد وتوسط ارگانهای کاملاً دولتی ومحلی که ازطریق دمکراتیک تاسیس میشود، عملی میگردد.

مادهٔ سوم:

قدرت زحمتکشان درجمهوری دمکراتیک افغانستان متکی به جبههٔ وسیع ملی پدروطن است که کلیهٔ کارگران، دهقانان، کسبه‌کاران، کوچیان، روشنفکران، زنان، جوانان ونمایندگان تمام ملیتها واقوام، کلیهٔ نیروهای مترقی، دمکراتیک ووطن‌پرست، وسازمانهای اجتماعی وسیاسی کشورراتحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، به اساس برنامهٔ عمومی اعمارجامعهٔ نوین، آزاد ودمکراتیک متحد می‌سازد.

جبههٔ ملی پدروطن موظف است تادراتحاد تمام نیروهای خلق جهت فعالیت مشترک درتعمیل وظایف انکشاف ملی ودمکراتیک کشور، درتربیه مردم به روحیهٔ وطنپرستانه وجلب وسیع اتباع دراداره امورد ولت وجامعه مساعدت کند.

مادهٔ چهارم:

حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقهٔ کارگروتمام زحمتکشان کشور، نیروی رهبری‌کننده وسوق دهندهٔ جامعه ودولت بوده، بیانگراراده ومنافع کارگران، دهقانان، روشنفکران، تمام زحمتکشان ونیروهای ملی ودمکراتیک ومدافع ثابت قدم منافع واقعی تمام خلقهای ساکن وطن واحد افغانستان میباشد.

حزب دمکراتیک خلق افغانستان به اساس ارادهٔ خلق افغانستان اصول انقلاب ملی ودمکراتیک رادرسیاست داخلی وخارجی خویش ملاک عمل قرارداده، تعمیل تدریجی اهداف ووظایف انقلاب ثورراتعیین نموده، مبارزهٔ تمام خلق افغانستان رادرایجاد جامعهٔ نوین، عادلانه وفارغ ازاستثمارفرد ازفرد رهبری می‌کند.

مادهٔ پنجم:

درجمهوری دمکراتیک افغانستان احترام، رعایت وحفظ دین مبین اسلام تامین می شود وآزادی اجرای مراسم دینی ومذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد.

پیروان سایرادیان دراجرای مراسم دینی ومذهبی شان که آسایش وامنیت جامعه راتهدید ننماید آزادی کامل دارند.

هیچیک ازاتباع حق ندارد ازدین به مقصد تبلیغات ضد ملی وضد مردمی ووسیلهٔ ارتکاب سایراعمال خلاف منافع جمهوری دمکراتیک افغانستان و خلق افغانستان استفاده کند.

دولت به فعالیت های وطنپرستانهٔ روحانیون وعلمای دینی دراجرای وظایف ومکلفیت های شان کمک ومساعدت میکند.

مادهٔ ششم:

درجمهوری دمکراتیک افغانستان فعالیتهای اتحادیه‌های کارگری، سازمانهای زنان وجوانان، انجمنهای علمی، کلتوری وهنری وسایرسازمانهای اجتماعی ودمکراتیک زحمتکشان که درصفوف خویش کارگران، دهقانان، کسبه کاران، روشنفکران وسایراهالی رابه مقصد بالابردن تشکل وارتقای فعالیت‌های اجتماعی وتولیدی، تعمیل اهداف ووظایف انقلاب ثوروتامین منافع خاصهٔ ایشان متحد میسازند تشویق وپشتیبانی میشود:

مادهٔ هفتم:

جمهوری دمکراتیک افغانستان سیاست تساوی حقوق، دوستی برادرانه ورشد همه‌جانبهٔ تمام ملیتها، اقوام وقبایل اعم ازخورد وبزرگ ساکن دروطن واحدمان افغانستان راعملی ساخته به‌همبستگی زحمتکشان تمام ملیتها، اقوام وقبایل کشوردرمبارزه به منظورتحقق اهداف وآرمانهای انقلاب ثورمساعدت کرده وحقوق قانونی ایشان راتامین وتضمین می‌کند.

هدف جمهوری دمکراتیک افغانستان امحای عدم تساوی درسطح رشد اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی تمام مناطق کشورمیباشد.

جمهوری دمکراتیک افغانستان بهترین وگرانمایه‌ترین آثارمیراث فرهنگی وعنعنات تمام ملیتها، اقوام، وقبایل کشور راحفظ وانکشاف میدهد.

مادهٔ هشتم:

قوای مسلح وڅارندوی جمهوری دمکراتیک افغانستان ازدستاورهای انقلاب ثور، استقلال ملی، وحدت وتمامیت ارضی وحاکمیت ملی کشوردفاع میکنند.

دولت به منظورتقویه واستحکام قوای مسلح وڅارندوی وتربیه منسوبین آن به روحیهٔ وطن‌پرستی وعشق به‌وطن، صداقت به‌اهداف وآرمانهای انقلاب ثور، همبستگی بازحمتکشان سایرممالک وبه‌منظورتامین اشتراک منسوبین قوای مسلح درحیات اجتماعی وسیاسی وبهبود وضع مادی فامیل‌های ایشان تدابیرلازم اتخاذ میکند.

مادهٔ نهم:

دولت نقش وطنپرستانهٔ سران وریش‌سفیدان وتمام اعضای قبایل کشورراکه درنواحی خود صلح، برادری وآرامی راتامین وازسرحدات جمهوری دمکراتیک افغانستان دفاع می‌کنند پشتیبانی بعمل میآورد ودرتعمیل موثراین فعالیت نجیبانه مساعدت همه‌جانبه‌رابه‌آنان مبذول میدارد.

مادهٔ دهم:

سیاست خارجی جمهوری دمکراتیک افغانستان برتحکیم صلح عام وتام، انکشاف همکاریهای وسیع بین‌المللی وحفظ منافع دولتی کشوراستواراست.

اساس فعالیت سیاست خارجی جمهوری دمکراتیک افغانستان رااصول همزیستی مسالمت آمیزوسیاست عدم

بقیه در صفحهٔ ۷

بقیه:

## قانون اساسی تازه افغانستان

انسلاک مثبت وفعال تشکیل میدهد .

مادهٔ یازدهم :

جمهوری دمکراتیک افغانستان دوستی وهمکاری همه‌جانبهٔ عنعنوی خود را با اتحاد شوروی وهمکاری‌ مناسبات دوستی را با سایر ممالک اتحاد سوسیالیستی بر اصل همبستگی انترناسیونالیستی توسعه واستحکام می‌بخشد .

مادهٔ دوازدهم :

جمهوری دمکراتیک افغانستان به حیث یك کشور صلحجو برای حفظ وتحکیم مناسبات دوستانه با سایر ممالك بخصوص با ممالك همسایه وتمام ملل ودول مسلمان بر اساس احترام متقابل به استقلال ملی و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی وعدم مداخله در امور داخلی یکدیگر مجدانه سعی نموده وجهت توحید مساعی مسلمانان وسایر خلقها در تلاش عمومی برای صلح، آزادی، ترقی وهمکاری بین ایشان مساعدت میکند.

مادهٔ سیزدهم :

جمهوری دمکراتیک افغانستان برای حل عادلانه وصلح آمیز تمام مسائل حل‌نشدهٔ موجود بین کشورهای همسایه در منطقه بر اساس ارادهٔ نیك واصول همزیستی مسالمت آمیز صرف مساعی میکند .

مادهٔ چاردهم :

جمهوری دمکراتیك افغانستان از مبارزهٔ ملل وخلقهای جهان برای صلح، آزادی ملی واجتماعی، دمکراسی، ترقی و برضد استعمار نوو امپریالیسم، برضد صهیونیسم، رسیزم، فاشیسم، تبعیض نژادی و آپارتاید پشتیبانی میکند .

مادهٔ پانزدهم :

جمهوری دمکراتیك افغانستان به خاطر دفاع از صلح جهانی، در جهت خلع سلاح عمومی وقطع مسابقات تسلیحاتی، جلوگیری از توسعهٔ اسلحهٔ ذروی، ازبین بردن پایگاههای نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان، انکشاف وتعمیق پروسهٔ تخفیف تشنجات بین المللی و استقرار نظم عادلانهٔ اقتصادی بین‌المللی مساعی بعمل می‌آورد .

در جمهوری دمکراتیك افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است .

مادهٔ شانزدهم :

جمهوری دمکراتیك افغانستان منشور سازمان ملل متحد واصول قبول شدهٔ عمومی حقوق بین المللی را احترام ورعایت کرده از فعالیت های سازمان ملل متحد مبنی برتحکیم صلح وانکشاف همکاری‌های بین المللی پشتیبانی میکند .

مادهٔ هفدهم :

در جمهوری دمکراتیك افغانستان ملکیت به اشکال دولتی، ملکیت عامهٔ مردم، کوپراتیف، خصوصی وملکیت شخصی وجود دارد .

دولت تمام اشکال ملکیت قانونی را حفظ ودفاع می‌کند . ملکیت منابع زیرزمینی، سایر منابع طبیعی، منابع انرژی، بانکها، مؤسسات، بیمه، وسائل عمدهٔ تولید در صنایع ثقیله، دستگاه‌های مخابراطی، رادیو وتلویزیون، منحصر به دولت می‌باشد .

ملکیت عامهٔ مردم از حمایت مخصوص برخوردار است .

دولت فعالیت شرکتهایی راکه در آن سهم دارد تشویق، حمایت ونظارت میکند .

مادهٔ هجدهم :

دولت رشد ملی را بمنظور امحای عقب ماندگی اقتصاد کشور، ارتقای سطح زندگی خلق های تمام ملیتها، اقوام، وقبایل افغانستان، امحای تمام انواع استثمار واعمار جامعه ومطابق به آرمان های انقلاب ثور سوق میدهد .

دولت به این منظور پلان‌های انکشاف اجتماعی واقتصادی راکه متکی به فعالیت سازنده وخلاق زحمتکشان است علماً طرح وتنظیم می‌کند .

دولت تشبثات خصوصی را تشویق، حمایت وکنترل میکند ودراین زمینه مساعدت مادی ومعنوی مینماید .

مادهٔ نوزدهم :

دولت ملکیت دهقانان وسایر زمینداران را برزمین مطابق به احکام قانون محترم شمرده وتضمین میکند .

دولت جهت تعمیل تحولات دموکراتیك در زراعت به نفع توده‌های وسیع دهقانان وبا اشتراك فعال ایشان تدابیر اتخاذ میکند به دهقانان ازطریق قرضه‌های بانکی کمك لازمه می‌نماید . برای دریافت ماشین آلات زراعتی، تخمهای بذری اصلاح شده، کود کیمیاوی، فروش محصولات ومواد خام زراعتی مساعدت میکند، رشد وانکشاف کوپراتیف های تولیدی، استهلاکی وسایر انواع آن را در زراعت تشویق وحمایت مینماید .

مادهٔ بیستم :

دولت برای کوچیان، قبایل ومالداران امکانات استفادهٔ رایگان را از چراگاهها بصورت عادلانه تضمین مینماید وبرای کوچیان حق سیر آزادانه را در قلمرو کشور نیز تضمین میکند .

دولت برای کوچیان، قبائل ومالداران ازطریق کمکهای بلاعوض وقرضه‌های بانکی به شرایط باامتیاز مساعدت لازمه مینماید وسایر مساعدت ها را در راه رشد مالداری فروش محصولات وارتقای سطح زندگی مادی، فرهنگی ومعیشتی ایشان مبذول میدارد .

مادهٔ بیست ویکم :

جمهوری دمکراتیك افغانستان فعالیتهای تولیدی کسبه‌کاران، اتحاد داوطلبانهٔ ایشان را در کوپراتیف های تولیدی بمنظور مؤثریت بیشتر سازمانده‌ی تولید، تامین مواد خام وفروش محصولات تشویق وحمایت می‌کند .

دولت مطابق به قانون مصونیت سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی تضمین واشتراك سرمایه داران ملی را در انکشاف صنایع خدمات وترانسپورت وزراعت تشویق وحمایت میکند .

دولت با درنظرداشت منافع ملی تمامی مردم افغانستان در عرصهٔ تجارت انکشاف تجارت داخلی وخارجی را تشویق ونظارت میکند . به این منظور دولت پرچون فروشی وعمده فروشی آزادانه را مجاز دانسته وکنترل عمومی قیم را به دوش دارد، به شرکت های تجارتی وتاجران ملی در عملی ساختن تجارت خارجی، واردات وصادرات مساعدت میکند، افزایش تولیدات وکیفیت اموال صادراتی راتشویق ودر مقابل رقابت انحصاری امپریالیستی حمایت میکند .

مادهٔ بیست ودوم :

دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ وحمایت میکند . استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه ومردم مجاز نیست . دولت ملکیت شخصی اتباع راکه ازطریق مجاز بدست آمده تضمین میکند . قانون حق وراثت ملکیت خصوصی وشخصی را تعیین وتضمین میکند . استملاك ملکیت خصوصی در بدل تأدیهٔ قیمت مطابق به عدالت اجتماعی وقانون مجاز است

مادهٔ بیست وسوم :

دولت مطابق به قانون ومتکی به اصل عدالت انواع واندازهٔ مالیات را طبق عایدات شخصی تعیین میکند .

مادهٔ بیست وچهارم :

پالیسی جمهوری دمکراتیك افغانستان در ساحهٔ انکشاف اجتماعی، فرهنگی وکلتوری برتحکیم وحدت کارگران، دهقانان، کوچیان، روشنفکران کسبه کاران تاجران، روحانیون، وعلمای وطنپرست وتمام نیروهای دمکراتیك ووطنپرست کشور، تمام ملیتها، اقوام وقبایل افغانستان امحای بقایای مناسبات فیودالی وماقبل فیودالی، عقب ماندگی، بیکاری، بی‌سوادی، فقر، مرض وارتقای سطح زندگی مادی وکلتوری هر خانواده استوار است.

به این منظور پروگرام‌های مبنی برامحای کامل بیسوادی، انکشاف وسیع معارف، حفظ الصحه وتامینات اجتماعی علم و تخنیك، کلتور وهنر، تربیت بدنی، سپورت وخدمات معیشتی بصورت متداوم عملی میگردد .

مادهٔ بیست وپنجم :

دولت تامین منازل مسکونی مساعد را برای زحمتکشان یکی ازوظایف عمدهٔ خود میشمارد .

مادهٔ بیست وششم :

خانواده، مادر وطفل تحت حمایهٔ خاص دولت قرار میگیرد . دولت در مورد صحت مادر وطفل توجه خاصی مبذول میدارد وجهت ایجاد شرایط وسیع برای زن در تحصیل، کسب مسلك وتدارك کار تدابیر لازم اتخاذ مینماید . ارگانهای دولتی، سازمانهای اجتماعی ومکاتب موظفند در تربیه اطفال به خانواده‌ها کمك کنند .

دولت مواظبت جوانان را به عهده میگیرد، برای آنان امکانات تعلیم وآموزش مسلکی را فراهم میسازد، جهت تامین کار به آنان، ایجاد شرایط مساعد جهت تربیه معنوی واخلاقی، رشد جسمانی واشتراك وسیع خلاق در اعمار جامعهٔ نوین مساعدت میکند .

### فصل دوم

### حقوق اساسی ومکلفیت های اتباع

مادهٔ بیست وهفتم

تابعیت جمهوری دمکراتیك افغانستان برای تمام مردم افغانستان یکسان ومساوی است .

حصول تابعیت جمهوری دمکراتیك افغانستان وسلب آن توسط قانون تنظیم میگردد .

اتباع افغانستان در خارج از حمایت و پشتیبانی جمهوری دمکراتیك افغانستان برخوردارند، هیچیك از اتباع جمهوری دمکراتیك افغانستان به دولت خارجی تسلیم داده نمیشود .

مادهٔ بیست وهشتم :

تمام اتباع افغانستان در مقابل قانون مساوی‌اند . تمام اتباع افغانستان بدون درنظرداشت تعلق نژادی، ملی، قبیلوی زبان، جنس، محل سکونت واقامت، دین، تحصیلات، نسب، دارائی وموقف اجتماعی حقوق ومکلفیت های مساوی دارند .

تساوی حقوق اتباع در تمام شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلتوری تامین میگردد .

هیچکس نمیتواند از حقوق وآزادیهای دمکراتیك علیه منافع جمهوری دمکراتیك افغانستان وحقوق سایر اتباع استفاده کند .

بقیه در شماره آینده

---

بقیه

## الجزیره به راه انقلابی...

مربوط می داند . این دریافت هر چه کاملتر ارتباط زنده، دینامیك و دیالك تیکی جنبش توده ای، وحدت عمل نیروهای وسیع ضد امپریالیستی و مبارزه، شرایط و عناصر تشکیل دهندهٔ یك حزب پیشاهنگ طراز نوین را در نظر دارد .

دشواری عبارت از تعیین دقیق وظایف بینابینی است که مراحلی را در راستای هدف اساسی درازمدت تشکیل می دهند . تردیدی نیست که فعالیت در این جهت در صورتی با کامیابی همراه است که ما در آینده نیز ( به موهبت جنبش نیرومند توده ای) به پرورش کادرهای با انعطاف و فعال برای رهبری توده ها که از هم‌اکنون در جبههٔ آزادیبخش ملی آغاز شده، کمك کنیم .

در لحظهٔ کنونی، این امر به معنای ادامه، توسعه و تعمیق کوشش‌های از پیش‌آغاز شده برای نوسازی سازمان های توده ای، دستگاه دولت و جبههٔ آزادیبخش ملی است

حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره به سهم خود معتقد است که چنانچه روند انقلابی با کامیابی به گسترش خود ادامه دهد، الجزیره خواهد توانست در چارچوب شرایط ما شاهد روزهای خوشی برای ایجاد یك حزب سوسیالیستی بدان سان که در بالا شرح داده شده باشد . از این رو، حزب ما اتحاد کنونی بین هواداران سوسیالیسم را در هر کجا که هستند، به عنوان یك اتحاد استراتژیك تلقی میکند، نه یك اتحاد گذرا و تاکتیکی، و معتقد است که این اتحاد ناگزیر شکل سازمانی‌اش را در جریان رشد انقلاب خواهد یافت . شالودهٔ چشم انداز اتحاد استراتژیکی . پشتیبانی استوار، از منشور ملی به عنوان "معیار مشترك" همهٔ انقلابیون است که به غنی شدن، تکامل یافتن خود ادامه خواهد داد . کمونیست های الجزیره که منافع ملی و رشد انقلاب را فراتر از بلند پروازی های حزب می دانند باامید و گام به گام به وحدت سیاسی خود ادامه خواهند داد . آن ها در هر شرایط در فعالیت خود از اصول مشترك برای همهٔ میهن پرستان الهام می گیرند :

– کمك و شرکت در مبارزه برای تولید ورشد کشور تا پیروزی نهائی آن .

– دفاع از کشور و دستاورد های انقلاب علیه امپریالیسم و ارتجاع منطقه .

( کوتاه شده از آفریقای کمونیست، سه ماهه چهارم ۱۹۷۹)

---

## یادآوری

مقالهٔ "تحولات اجتماعی در جامعهٔ روستائی ایران" و "هنر و ارتباط آن با دیگر اشکال آگاهی اجتماعی"، بعلت تراکم مطالب در این شماره، در شماره‌های بعد ادامه خواهد یافت .

بقیه

## سیاست ایران انقلابی...

سیاست ایران انقلابی کدام است وبه کجا منتهی میشود ؟ وآیاآنچه تاکنون به نام ایران انقلابی درعرصهٔ بین المللی صورت گرفته است می تواند سیاستی سنجیده وآینده نگرشمرده شود ؟

شك نیست که انقلاب ضد امپریالیستی ایران، بویژه با گسترش و عمق و خصلت خلقی هرروزنمایان ترش تعادل نیروها را در سطح کشور، منطقه وحتی جهان برهم‌زده است ۰ نیروی سرایتی هم که دراین انقلاب خلقی وضد امپریالیستی است براهمیت نسبی ایران درکل سیاست جهان بسی می افزاید ۰ ولی، با برهم‌خوردن تعادل دریك لحظهٔ تاریخی، وجوب ولزوم خود تعادل ازبین نمی رود ۰ خواه ناخواه ، تعادل دیگری جانشین تعادل پیشین میشود ۰ ایران انقلابی دراین کار چه نقشی باید داشته باشد وبرای آیندهٔ نزدیك درایجاد و تحکیم چگونه تعادلی باید بکوشد ؟ مسئلهٔ سیاست ایران و برنامه ریزی عاجل آن درراستای منافع کشور، مردم مستضعف وانقلاب دراین پرسش مطرح است ، ونمی‌توان ازدادن پاسخ به آن شانه خالی کرد ۰

مادرجهانی بسرمی‌بریم که درآن دونیروی اصلی فعال‌اند :ازیك سوامپریالیسم جهانی که غارتگری وتجاوزبه استقلال وحاکمیت ملی دیگران درسرشت آن است ، وازسوی دیگراردوگاه سوسیالیسم وهمهٔ کشورهای استقلال طلب روبه رشد که دست کم درمقابله باتجاوزگری امپریالیسم دارای نفع مشترك اند. هریك ازاین دونیروی عظیم میدان جاذبه‌ای دارند ۰ انقلاب ، ما راازمیدان جاذبهٔ امپریالیسم بیرون کشید ، واین بزرگترین دستاورد انقلاب است که استقلال ملی ما راممکن ساخت ۰ ولی، تازمانی‌که ماخود رابه خط تعادل، به خط موازنهٔ بالفعل این دونیرونرسانیم ، امکان جذب مجدد ماازسوی امپریالیسم ، با نیرنگ هاوتدبیرهائی‌که مستقیم وغیرمستقیم میزند وواسطه‌هائی که درلباس دوست خیرخواه "مسلمان" برمی انگیزد، وجود دارد ۰ آنچه دررگردانندگان امروزی سیاست ایران تاحد وسواس دیده میشود ، نگرانی شان ازکشیده شدن ایران به میدان جاذبهٔ نیروی اصلی دیگری است ۰ این نگرانی وسواس‌گونه ، که تبلیغات رسانه های گروهی امپریالیستی وانواع "تئوری"های بهم بافتهٔ نوبه‌نوشان پیوسته بدان خوراك میدهد ، تابه حدی است که گاه سربه دشمنی لجاج آمیزبا اتحاد شوروی میزند ومتاسفانه دوبارهم مجال بروزدریك کنفرانس بین المللی یافته است ۰ ازشگفتی های قابل تأمل آن کمادراین دوکنفرانس "اسلامی"، هرجاکه درراستای همین وسواس، تاییدکنندگانی یافته‌ایم، امثال پاکستان وعربستان سعودی‌واندونزی‌وعمان ودیگران بوده‌اند ، وهرجاکه در راستای دعوت به بازنگری واقعیات ، شناخت دوست ودشمن و پرهیزازدامها ، مخالفانی دلسوزونگران داشته‌ایم، نمایندگان سوریه ولیبی‌وجبههٔ آزادیبخش‌فلسطین ودیگران بوده‌اندکه باسهل انگاری وابسته به روسیهٔ شوروی وصف میشوند ۰ این گونه سخنان غیرمسئول واین موضعگیری های "قاطع" ولی بی‌پایه دوستان راازما میرماند وما رادرصحنهٔ جهان منزوی‌می سازد ۰ باید هرچه زودترازاین راه بن بست بدرآمد ۰ باید به نیروی زندهٔ انقلاب ، یعنی به‌توده‌های بپاخاسته‌ای‌که ضامن استقلال وپیشرفت ایران‌اند ، اعتماد کرد وترس‌ووسواس‌خود را خواست انقلاب جانزد ۰ سیاست انقلابی ایران بویژه دراین مرحلهٔ مبارزهٔ مرگ وزندگی باامپریالیسم، حق ندارد برواقعیات جهان امروزچشم‌ببندد ۰ مابه امکانات فنی وبازرگانی ، به‌راههای ترانزیتی وبه پشتیبانی سیاسی اردوگاه سوسیالیسم‌درمبارزه باتحریم‌اقتصادی وتهدیدجنگی آمریکاومتحدانش‌نیازداریم ۰ ماراچه به آنکه بامشتی فئودال وایلخان شورشگرافغانی که درآرزوی بهره کشی دهقانان ودیگرزحمتکشان خمیازه‌میکشند دریك مجمع بین المللی همنشین وهم‌آوازشویم؟ ماازانقلاب افغانستان نه تنهازیان نمی‌بینیم ، بلکه وجودآن درمرزهای شرقی ایران ماراازبسیاری تحریکات امپریالیستی مصون میدارد ۰ مابایددستی راکه رئیس‌دولت جمهوری دمکراتیك افغانستان به سوی ما درازکرده است به دوستی بفشاریم.

انقلاب ایران وانقلاب افغانستان ، دست کم ازجنبهٔ ضد امپریالیستی‌شان، باهم‌پیوند نزدیك دارند ۰ یك دیگر باید گفت وتاکید کرد کهانقلاب ایران برای آن که پیروزشود باید تکلیف دوستان ودشمنان خود رامعین کند . نمی‌توان درفضای سیاست معلق ماند ونه بادوست دوست بود ونه بادشمن دشمن ۰

بقیه:

## سرمایه‌داری وجهانِ در راه رشد

اوائل دههٔ ۱۹۷۰ تولید سرانهٔ کالاها و خدمات کشورهای سرمایه داری ۱۳ برابر کشورهای در حال رشد بود ۰ بحران اقتصادی ۱۹۷۵ ـ ۱۹۷۴ که جهان سرمایه داری راتکان داد ، این گرایش‌را موقتا متوقف نمود ، ولی پس‌از بحران ، این فاصله دوباره فزونی گرفت و خود را به سطح آغاز سال‌های ۷۰ رسانید ۰

بنا براین اگر ملاحظه می شود که شکاف اقتصادی کشورهای سرمایه داری و کشورهای نوپا از حیث قدر مطلق تولید کلی بتدریج رو به کاهش‌نهاده ، تعمیق این شکاف از حیث تولید سرانه در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری همچنان فرمانروائی دارد ۰ این گرایش‌بدون مقاومت گسترش‌نمی یابدو در همجا چون گذشته نیست ، بلکه بر حسب دوره‌ها و مناطق عمده به شکل فوق العاده ویژه‌ای نمودار می شود ۰

این فاصله در مناطقی که از حیث اقتصادی عقب مانده‌ترین مناطق جهان استعماری‌سابق بودند ، مثل کشورهای آفریقا ، جنوب و جنوب شرقی آسیا که در آن پیشرفت تولید طی همهٔ دهه‌های پس‌از جنگ بطور محسوس‌کمتر از سایر مناطق جغرافیائی جهان بود ، با آهنگ مخصوصا " سریعی افزایش‌یافته است ۰

در عین حال ، کشورهای آمریکای لاتین و به ویژه کشورهای تولید کنندهٔ نفت خاور نزدیك و میانه در زمینهٔ فاصلهٔ اقتصادی در جهت معکوس‌عمل کرده‌اند ۰ با اینهمه( صرفنظر از محروم بودن قدرت‌علمی و فنی ) اکثریت قاطع کشورهای این مناطق از حیث رشد اقتصادی وبه ویژه صنعتی هنوز دهها سال با مراکز سرمایه‌داری جهان فاصله دارند ۰ در سالهای ۷۰ ناموزونی پدید آمده از حیث تاریخی درآهنگ های رشد اقتصادی منطقه‌ای و بین منطقه‌ای بطور محسوسی فزونی پیدا کرده‌است ۰ اما این ناموزونی به هیچ وجه مسئلهٔ مشترك خلق های این کشورها را در تحکیم مبارزهٔ ضدامپریالیستی در چارچوب اقتصاد جهانی سرمایه داری نفی نمی‌کند ۰ مسئله رشد سریع با حدت ویژه‌ای برای کشورهائی که از حیث اقتصادی بسیار عقب مانده‌اند و در شرایط فروپاشی سیستم استعماری امپریالیسم معمولا " آهنگ های رشد اقتصادی بسیار نازلی دارند ، مطرح است ۰ آمار بین‌المللی <u>اونکتاد</u> که مخصوصا " به بیلان شاخص‌های ۳۰ کشور عقب مانده آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین مربوط می شود ، نشان می دهد که در ۱۹۷۷ تولید سرانهٔ متوسط ناخالص‌ملی در این گروه از کشورها قریب ۳/۶ بار نسبت به‌دادهای متوسط جهان در راه‌رشد کمتربوده‌است ۰ به‌بیان‌دیگر ، در این کشورها تولید سرانه‌کالاها وخدمات تقریبا "۴۵ بارکمتر از کشورهای سرمایه‌داری بود ۰ باید یادآور شدکه شکاف اقتصادی بین آنها بسیار سریع افزایش‌یافت ، زیرا نرخ رشد متوسط سالیانهٔ تولید در تولید ناخالص‌ملی سرانهٔ این گروه از کشورها ناچیز بود و در ۱۹۷۷ ـ ۱۹۵۰ تقریبا : از ۰/۷ درصد فراتر نرفته است ۰

تغییرات حاصله در تناسب تولید کلی کشورهای سرمایه داری و کشورهای در راه رشد بازتاب روند بسیار نامتجانس و متضاد است ۰ آنها بدون استثناء مجموع بیلان رشد همهٔ قلمرو فعالیت اقتصادی خلقهای هر دو گروه کشورها را منعکس‌می سازند ۰ بدین جهت مشخصهٔ رشد تولید کلی‌شان نمایشگر درجهٔ بالنسبه عالی انتزاع‌است ۰ در هر حال این امر برای تحلیل واقعی مسئله ضرورت دارد ، زیراامکان می دهد ایده‌ای سنتتیك و کلی از حرکت واقعی رویدادها بدست داده شود ۰ مارکس‌در مقدمه بر اقتصاد سیاسی می‌نویسد : " تولید بطور کلی یك مفهوم انتزاعی است ۰ اما انتزاعی‌تعقلی در حدی که خطوط مشترك را خوب تأکید و ترسیم کند و ما را از تکرار بی نیاز سازد ۰ با اینهمه ، این خصلت‌عمومی یا خطوط مشترك که استخراج آن از راه مقایسه میسر شده ، خود مجموعهٔ بسیار بغرنجی را تشکیل می دهد که عناصر آن برای نمایاندن مشخصه‌های مختلف از هم فاصله می گیرند ۰ "

البته ، چارچوب مقاله اجازه نمی دهد که تمام انواع تغییرات حاصله در مهمترین قلمروهای اجتماعی این دوگروه ازکشورها با شرح و بسط کافی روشن شود ۰ ما در این جا روی برخی گرایش‌های رشد درازمدت گروههائی از شاخه‌های اقتصادشان تکیه می کنیم که مضمون مشخص‌مسئله‌ووجود شکاف اقتصادی بین کشورهای یاد شده را در اقتصاد جهانی معاصر سرمایه‌داری نشان می دهند ۰

<u>شکاف اقتصادی در شاخه‌های کلیدی</u>

بررسی جوانب مختلف شکاف فزایندهٔ موجود در قلمرو تولید صنعتی و کشاورزی بین کشورهای سرمایه‌داری وکشورهای درراه رشد برای فهم مسئله مورد تحلیل اهمیت بسیار زیادی دارد ۰ هر یك از این شاخه‌ها جای ویژه‌ای در تولید کلی دو گروه ازکشورهای یاد شده دارند ۰ اگر در جریان روند شکل بندی تولید ناخالص‌ملی کشورهای سرمایه‌داری ـ صنعت همواره نقش‌درجهٔ اول را بازی نموده است ، در کشورهای عقب مانده اقتصادی ، مستعمره و وابسته نیروی محرك اصلی کشاورزی آنهم در سطح بسیار نازل بود ۰

در بسیاری از کشورهای رهائی یافته ، آغاز مبارزه برای محو عقب ماندگی کشاورزی که از دوران استعمار به‌ارث مانده موجب تسریع آهنگهای رشد تولید کشاورزی‌شده‌است ۰ طی سال هائی‌که درجدول شماره ۲ منعکس‌است ، تولید کشاورزی‌درگروه کشورهای درراه رشد تقریبا : ۲٫۲ بار افزایش‌یافت ، درصورتیکه میزان این افزایش‌در کشورهای پیشرفته سرمایه داری تنها $\frac{۲}{۳}$ بود ۰ این امر بیانگر افزایش وزن مخصوص‌کشورهای درراه رشد در تولید کلی کشاورزی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری است ۰ از اواسط سالهای ۷۰ بیش‌از نیمی از تولید کل کشاورزی به کشورهای مستعمره و وابستهٔ سابق اختصاص یافت ۰

<u>آهنگ های رشد متوسط سالیانهٔ کشاورزی و صنعت بنا برگروه کشورها ( به ٪ )</u>

| گروه کشورها | کشاورزی ۱۹۵۰-۱۹۶۰ | کشاورزی ۱۹۶۰-۱۹۷۰ | کشاورزی ۱۹۷۰-۱۹۷۸ | صنعت ۱۹۵۰-۱۹۶۰ | صنعت ۱۹۶۰-۱۹۷۰ | صنعت ۱۹۷۰-۱۹۷۸ |
|---|---|---|---|---|---|---|
| **حجم عمومی تولید کالا** | | | | | | |
| سرمایه‌داری | ۲٫۰ | ۱٫۶ | ۲٫۱ | ۴٫۶ | ۵٫۸ | ۳٫۵ |
| در راه‌رشد | ۳٫۲ | ۲٫۸ | ۲٫۷ | ۶٫۸ | ۷٫۲ | ۶٫۵ |
| **تولید سرانه** | | | | | | |
| سرمایه‌داری | ۰٫۸ | ۰٫۵ | ۱٫۲ | ۳٫۴ | ۴٫۷ | ۲٫۶ |
| در راه رشد | ۱٫۱ | ۰٫۳ | ۰٫۱ | ۴٫۶ | ۴٫۷ | ۳٫۹ |

* محاسبه براساس : سالنامهٔ محاسبات آمار ملی سازمان ملل سالنامهٔ آمار و بولتن ماهانه آمار برای سالهای‌مربوط

این جدول در صورتیکه رشد جمعیت در نظر گرفته شود منظرهٔ دیگری پیدا می کند ۰ چنانکه می‌دانیم در مدت مذکور جمعیت کشورهای درراه رشد تقریبا " دو برابر و کشورهای سرمایه‌داری یك سوم افزایش‌یافت ۰ اما رشد حجم تولید کشاورزی در کشورهای گروه نخست به زحمت با رشد جمعیت هماهنگ بود، درصورتیکه رشد آن در کشورهای گروه دوم دوبار بیشتر از رشد جمعیت بوده‌است از این رو می بینیم که شکاف بین این دو گروه کشورها در قلمرو مفروض‌تولید اجتماعی بیش‌از پیش‌افزایش‌یافته‌است ۰ در آغاز دههٔ ۵۰ نسبت این شکاف ۲٫۴ برابر بود ، اما در پایان دههٔ ۷۰ این نسبت به ۲٫۶ برابر سود کشورهای سرمایه‌داری فزونی یافت ۰ بنابراین ، با اینکه سهم تولیدات کشاورزی در تولید ناخالص‌ملی کشورهای درراه رشد ۵ برابر سهم کشورهای سرمایه‌داری‌است ، رشد ناچیز آن در مقایسه با رشد جمعیت علت اساسی عقب ماندگی تولید کلی سرانهٔ کشورهای در راه رشد است ۰ اختلاف بین رشد و پویائی تولید کشاورزی همواره به عنوان یك مسئله در جهان درراه رشد باقی‌میماند و پیوسته ژرفا می گیرد (۱)

<u>زیرنویس :</u>

۱ ــ حجم تولید سرانهٔ کشاورزی در ۱۹۷۸ــ ۱۹۶۹ در کشورهای آمریکای لاتین ۳٪ و در کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا ۵٪ افزایش‌یافت ، درصورتیکه میزان آن در کشورهای خاور نزدیك و میانه ۳٪ و در آفریقا ۸٪ کاهش‌یافته‌است ۰
( اونکتاد ، جزوهٔ تجارت بین المللی و آمار رشد ، نیویورك ، ۱۹۷۹ صفحهٔ ۵۲۳) ۰

هفته نامهٔ
اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیك مردم ایران
صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول : محمود اعتمادزاده "به‌آذین"
تهران ، خیابان سزاوار شماره ۱۸۹
تلفن ۶۴۴۳۸۴